



STOP STATE TERRORISM

ویژه سالگرد شهادت شهید سپهد سلیمانی
و گذشت چهلمین روز از شهادت شهید فخری زاده

- بررسی نقض حقوق بشر در ترور سردار سلیمانی
- انتقام سخت؛ از حرف تا عمل
- درباره شهید سلیمانی: زندگینامه مختصر و مرور خاطرات
- مقابله با تروریسم در آینه اسناد بین المللی
- بررسی وضعیت حقوقی پهپاد آمریکایی در ترور شهید سلیمانی
- اسرائیل، چاقویی که دسته اش را هم می برد
- اسرائیل، تبار ترور و مجری ترور هدفمند در جهان
- روایت انفعال اطلاع رسانی پیرامون وقایع ترور شهید فخری زاده
- سروده ای برای سردار دل ها



شماره چهارم | دی ماه ۱۳۹۹

ماهنامه خط پیشی



فهرست

- ۱ نقض حقوق بشر در ترور سردار شهید سلیمانی
- ۳ انتقام سخت؛ از حرف تا عمل
- ۶ درباره شهید سلیمانی: زندگینامه مختصر و مرور خاطرات
- ۱۲ مقابله با تروریسم در آینه اسناد بین‌المللی
- ۱۸ بررسی وضعیت حقوقی پهباد آمریکایی در ترور سردار شهید سلیمانی...
- ۲۱ اسرائیل، چاقویی که دسته‌اش را می برد
- ۲۴ اسرائیل، تبار ترور و مجری ترور هدفمند در جهان
- ۲۶ روایت انفعال اطلاع‌رسانی پیرامون وقایع ترور شهید فخری زاده
- ۳۰ ملت زخم خورده از تروریسم
- ۳۲ سروده ای برای سردار دلها (نگین سلیمان)

روابط عمومی نشریه



آرش وثاقتی جلال



@arash-ves79



0935 717 7380

ماهنامه **خط بهشتی** شماره چهارم | دی ماه ۱۳۹۹



بسیج دانشجویی دانشگاه علوم قضایی
و خدمات اداری دادگستری

نیما صوری

صادق بشیره

علی آقااحمدی

سجاد خلوصی

صاحب امتیاز :

مسئول :

سر دبیر :

طراح جلد :

گرافیکست :



شناسان به آن انسان می گویند.^۳ مفهوم انسان حقوق بشری مفهومی استعلایی است که نه دلالتی متافیزیکی بر هویت انسان دارد و نه به معنای هویت الهی اوست. منظور از انسان استعلایی، انسان غیرمعطوف به مجموعه ای از عرضیات است؛ انسانی که معطوف به قبیله، نژاد، دین، تاریخ و هویت اجتماعی، جنسیت، رنگ و ... نیست.^۴

در طول سه قرن، از زمان تشکیل جامعه بین المللی جدید به عنوان جمعی از دولت های حاکم در قرن شانزده و هفده میلادی، روابط بین

المللی، روابط بین دولتی تلقی می گردید^۵ و حقوق بین الملل فقط بر دولت ها الزامی بوده است و دولت به عنوان موضوع اصلی، اگر نه حقوق بین الملل، محسوب می شد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، به عنوان اولین سند بین المللی مربوط به حقوق بشر که بدون ارائه تعریف یا توضیحی دارای نمونه های بسیاری از این حقوق می باشد که تحت عنوان حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقه بندی شده است. اما سازمان ملل متحد آن را این چنین تعریف کرده است:

حقوق بشر به طور کلی به عنوان حقوقی قابل تعریف می باشند که از ذات ما جدا شدنی نبوده و بدون آن ما نمی توانیم به عنوان انسان زندگی نماییم. حقوق بشر و آزادی های اساسی این امکان را برای ما فراهم می سازد تا صفات انسانی مان، عقلمان، استعدادمان و وجدانمان را به طور کامل پرورش داده و بکار بریم و نیازهای روحی و دیگر نیازهایمان را برآورده سازیم. آنها مبتنی بر خواسته روز افزون بشر برای یک زندگی است که در آن شأن ذاتی و ارزش هر انسانی از احترام و حمایت برخوردار باشد^۶ و انکار حقوق بشر و آزادی های اساسی نه تنها یک تراژدی فردی و شخصی است، بلکه موجب اوضاع نا آرام اجتماعی و سیاسی می گردد و تخم خشونت و تخاصم را در درون اجتماعات و ملت ها و در بین آنها می کارد. از آنجا که در پیش ذکر شد اعلامیه جهانی حقوق بشر اظهار می نماید^۷ احترام به حقوق بشر و شأن انسانی "زیربنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می باشد."

داخل در این بحث لازم است تا نسل های سه گانه حقوق بشری^۸ که امروزه درباره آن سخن گفته می شود مورد توجه قرار گیرد^۹ منظور از نسل اول حقوق بشر همان حق ها، آزادی های سیاسی و مدنی است. حق هایی همچون حق حیات، حق امنیت، آزادی های مذهبی، آزادی بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رأی، آزادی تردد و انتخاب محل



نقض حقوق بشر در ترور سردار شهید سلیمانی

مرتضی پورعزیز / دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

در این واقعه، یعنی اقدام نظامی (حمله موشکی) ایالات متحده آمریکا توسط پهباد نظامی علیه کاروان سردار شهید سپهبد سلیمانی که علاوه بر ایشان و ابو مهدی المهندس به عنوان معاون نیروهای حشدالشعبی شامل چند تن از افراد غیر نظامی و بی سلاح بود. به طور کلی این اقدام نظامی آمریکا باعث نقض حقوق بین الملل از جنبه های گوناگون شده است. لیکن در این قسمت می طلبد تا این واقعه از لحاظ حقوق بین الملل بشر من جمله حقوق و آزادی های مقرر شده در اسناد بین المللی و اصول اساسی و بنیادین حقوق بشری حق حیات و ... مورد تعمق قرار گیرد.

تبیین مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر یکی از اصلی ترین و ابتدایی ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی و طبیعی به صرف انسان بودن از آن بهره مند می شود. در رابطه با منشأ و ماهیت این حقوق می توان گفت اگر چه حقوق بشر بین المللی محصول تئوری های عصر روشنفکری است که به طور طبیعی در حقوق اساسی کشورهای اروپای غربی متجلی گردید^۱ ولی مبنا و خواستگاه آن کاملاً مشخص نمی باشد و نظریه های مختلفی به عنوان مبنا برای این حقوق مورد توجه قرار گرفته اند از آن جمله است نظریه هایی که ریشه در مذاهب و حقوق الهی دارند؛ نظریاتی که مبتنی بر حقوق طبیعی می باشند؛ مکتب اثبات گرای اصالت نفع و جنبش های سوسیالیستی.^۲

نقطه عزیمت حقوق بشر معاصر تعریف بیولوژیک انسان است. این پایانی بر نزاع ایدئولوژیک و ارزشی درباره مفهوم انسان است. بشر به موجودی اطلاق می شود که زیست

تمامی انسانها را به قتل رسانده و هرکسی حیات انسانی را احیا کند گو اینکه به تمامی انسان ها حیات بخشیده است.^{۱۵} گواه ارزش فرا فردی حیات انسانی باشد.^{۱۶} حق حیات از ابتدایی ترین و بدیهی ترین حق هر بشری است. جایگاه شاخص این حق در بین سایر حقوق بشری از رابطه طولی آن با سایر حقوق برانگیخته می شود. به طوری که دیگر حقوق در نظر گرفته شده در اسناد بین المللی حقوق بشر، متوقف بر حق حیات است. از این رو اهمیت و ضرورت این حق تا جایی است که حتی در شرایط اضطراری نمی توان از آن چشم پوشی کرد. همینطور در ماده سه اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقرر داشته: هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است. طبق بند دو از ماده چهار میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۷} حتی در صورتی که یک خطر عمومی استثنایی (فوق العاده) موجودیت و حیات ملت را تهدید کند، نمی توانند حق حیات افراد را نقض کنند. و ماده شش این میثاق مفصلا در مورد حق حیات اعلام می کند:

● حق حیات از حقوق ذاتی انسان است، این حق باید به وسیله قانون مورد حمایت قرار گیرد. هیچکس را نمی توان بدون مجوز و به طور خودسرانه از زندگی اش محروم کرد.

● در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، صدور حکم باید فقط در مورد مهم ترین و جدی ترین جنایات بر طبق قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جنایت صورت گیرد که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون منع و مجازات جرم کشتار جمعی (نسل زدایی)^{۱۸} در تعارض باشد. اجرای مجازات اعدام تنها می تواند به موجب حکم قطعی صادره از دادگاه صالح انجام شود.

حق حیات در وضعیت های گوناگونی ممکن است به خطر بیفتد یا مورد تعرض واقع شود. پیش بینی نکردن مقررات لازم در برخورد با کسانی که حق حیات دیگران را مورد تعرض قرار میدهند، خود نوعی نقض این حق بنیادین بشری محسوب می شود. همچنین عدم حمایت دولت از افراد یا گروه های خاص یا باز گذاشتن دست گروه ها و افراد خاص در تعرض به حیات دیگران، نوعی دیگر از نقض حق حیات است. بنابراین به تصریح میثاق مذکور، دولت ها مکلف اند تدابیری را در جهت پاسداری از حق حیات تمام افراد فراهم کنند. به انضمام اصل عدم تبعیض، دولت ها مکلف اند از حق حیات همه افراد به صورت برابر و بدون کوچک ترین تبعیض از حیث نژاد، رنگ، تابعیت، مذهب، جنسیت و سایر تعلقات عرضی افراد پاسداری و حمایت کنند. هرگونه تبعیض و نابرابری در مقررات یا سیاست گذاری های کلان در جهت تبعیض بین شهروندان در پاسداری از حیات آنان، نقض حق بنیادین حیات به حساب می رود. همچنین بنا بر نظر کمیته حقوق بشر، حق حیات با تفسیری موسع از حق دفاع ممکن است نقض شود. اعطای اختیارات گسترده قانونی به پلیس در مبارزه با برخی جرایم، آنگونه که بتواند به بهانه دفاع مشروع، حیات مظنونان را مورد مخاطره قرار دهد و بر مبنای قانون آن کشور اصل بر این باشد که

اقامت به این نسل از حقوق بشر تعلق دارند. حق های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شمار حق های متعلق به نسل دوم حقوق بشر^{۱۹} طبقه بندی می شوند. حق هایی از قبیل حق بهره مندی از آموزش و پرورش، حق بهره مندی از مسکن مناسب، مراقبت های بهداشتی، حق بر کار و حق بهره مندی از مسکن مناسب، مراقبت های بهداشتی حق بر کار و حق بهره مندی از حداقل امکانات معیشتی اعم از نمونه های این نسل از حقوق بشر اند. در حالی که نسل اول نوعا بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد تأکید دارد، حق های نسل دوم مستلزم مداخله و حمایت دولت ها است. بنابراین این تقسیم از نظر اخلاقی حائز اهمیت است. نسل سوم حقوق بشر ماهیتی جمع گرایانه دارند و حق هایی همچون حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح و حق بر توسعه را در بر می گیرند.

● اسناد بین المللی در رابطه با حقوق بشر ●

امروزه حقوق بشر طیف گسترده ای از اسناد و معاهدات، قطعنامه ها و اعلامیه های بین المللی را شامل می شود که حتی از آنها می توان به عنوان منابع حقوق بشر یاد کرد. به مجموعه ای از این اسناد اعم از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸^{۲۰} میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶^{۲۱}، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶^{۲۲} و پروتکل های اختیاری، منشور حقوق بین المللی بشر گفته می شود. این اسناد بین المللی، حقوق و آزادی های متعددی را در خود مقرر داشته و اشاره کرده اند، از جمله حق حیات، منع شکنجه یا مجازات و رفتارهای غیر انسانی، حق مشارکت سیاسی، آزادی بیان، آزادی عقیده و مذهب، حق بر دادخواهی، اصل محاکمه یا دادرسی عادلانه و غیره که در ادامه مختصرا به حقوقی که در رابطه با بحث ما بیشتر حائز اهمیت می باشند پرداخته می شود.

● حق حیات ●

در واقعه اقدام نظامی علیه سپهبد شهید سلیمانی و همراهان ایشان، اصلی ترین حق از حقوق بشری که جلب توجه می کند، حق حیات است. در ترجمان حقوق بشری ارزش حیات عبارت «حق حیات» است. تعبیر مضیق حق از این ارزش است که کار در تبیین مفهوم آن را با دشواری روبه رو کرده است. باید اذعان کرد حتی در صورت نگاه حق مدارانه به این ارزش، چارچوب تحلیلی متداول در تبیین مفهوم سایر حق ها نمی تواند الزاما در مورد این حق کارایی داشته باشد. به نظر می رسد باید ماهیت حق حیات را در نهایت در قالب ارزش بنیادینی که اعمال یا اسقاط آن چیزی بسیار فراتر از اراده یا نفع فردی است تحلیل کرد. شاید این تعبیر قرآنی که «هرکس انسان بی گناهی را به قتل رساند گویی

شبیبه به قسمت دوم ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را در مورد مجازات اعدام در نظر گرفته است که بر مبنای آن مجازات اعدام در مورد مهم ترین در ادامه در این رابطه، یعنی درباره اصل محاکمه عادلانه سخن گفته و تحت آن به مجازات فراقضایی و اعدام های خودسرانه پرداخته می شود.

● جمع بندی ●

در اقدام نظامی علیه سردار شهید سلیمانی و همراهان ایشان که منتهی به شهادت آنها شده است، با عنایت بر اسناد و اعلامیه های بین المللی حقوق بشری که به حق حیات هم تاکید داشته و در بطن خود مقرر کرده اند، این حق را یکی از حقوق بنیادین و اساسی دانسته اند. همچنین سایر حقوق را متوقف و منوط بر حق حیات می دانند که این حق اساسی در ترور سردار سلیمانی توسط دولت ایالات متحده نقض و این کشور مسئول این سلب حیات است.

تمام اقدامات پلیس در این زمینه موجه و بی نیاز از پاسخگویی است؛ می تواند به نقض حیات دیگران منجر شود.

لزوم احترام و حق حیات افراد بشر، متضمن این معناست که باید از سلب حق حیات انسان ها به صورت خودسرانه و غیرقانونی اجتناب گردد. البته احراز سلب حیات خودسرانه مسئله ای است که باید بنابر شرایط و وضعیت خاص هر پرونده تشخیص داده شود. با عنایت بر این که نه اعلامیه جهانی حقوق بشر و نه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی وجود مجازات اعدام را در قوانین کشورها به معنای نقض حیات تلقی نکرده اند. چنانکه کنوانسیون های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر هیچ کدام مجازات اعدام را ناقض حق حیات ندانسته اند. ماده دو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجازات اعدام مبتنی بر حکم دادگاه را به عنوان استثنایی بر حق حیات اظهار داشته است. قسمت دوم ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر عبارتی

●● بی نوشت ●●

1 Universal Declaration of Human rights 1948 Kolb, R, The relationship between international humanitarian law and human rights law: A brief history of the. 29. Geneva Conventions, note 1949 and the

2 Different human Rights Theories have been discussed by shestack, J, The Jurisprudence of human rights. In T, Meron (ed) Human Rights in International Law. 69. At P. 1 Vol, 1984, Law, London, Oxford University Press

3. سیدفاطمی، سیدقاری، درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، جلد اول، نگاه معاصر، تهران، چاپ ششم، 1398، ص 21، همان، ص 22 و 23.

5 voetzel Rk the nuremberg Trials in international law, London stevens, sons Limited .at P97 1960

6 United Nations. General Assembly, Human rights: questions and answers, New York : United Nations. at P4 ,1987,

7 Ibid, at P4.

8 Waldron J. «Rights», ed. Goodin R. and Pettit P., A Companion to Political Philosophy, Blackwell Publisher..22.at P.585-575 .pp ,(1995) ,

9, (1997) ., Shue H, «Basic Rights», ed. Goodin R. and Pettit P., Contemporary Political Philosophy, An Anthology, Blackwell Publisher..40.at P.342-341 .pp

10. First Generation of Human Rights.

11. Second Generation of Human Rights.

12. Universal Declaration of Human Rights..... . 1948

13. International Covenant on Civil and Political Rights . 1966

14. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights .1966

15 . آیه 32 سوره مائده.

16 . سیدفاطمی، سیدقاری، جستارهای تحلیلی در حق ها و آزادی ها، جلد دوم، نگاه معاصر، تهران، چاپ پنجم، 1398، ص 21.

17 . ماده 4: 1. هرگاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام بشود کشورهای طرف این میثاق می توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می نماید اتخاذ نمایند، مشروط بر این که تدابیر مزبور یا سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین الملل بر عهده دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد - رنگ - جنس - زبان - اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

2. حکم مذکور در بند فوق هیچ گونه انحراف از مواد 6 و 7 (بندهای اول و دوم) ماده 8، 11، 15، 16، 18 را تجویز نمی کند.

18. ,Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide. 1948

19 Nowak, M (1993) ,p.106. UN Covenant on Civil and Political Rights, CCPR Commentary

20. حسینی اکبرنژاد، هاله و حسینی اکبرنژاد، حوریه، نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و بشردوستانه، پژوهش های حقوقی، شماره 35، 1397، 199 تا 242، ص 224.

چشمان خود را ببندید و خود را خارج از ایران، در کشوری که با آمریکا در کشمکش و تقابل است و می خواهد بدون وابستگی به غرب روی پای خود بایستد، سر کلاس تاریخ آن کشور مجسم کنید. استاد در کلاس تاریخ، تاریخ معاصر آن کشور را بازگو کرده و بیان می کند که چند سال پیش آمریکا و اسرائیل چه اقدامات تلخ و دردناکی را علیه آن کشور انجام داده اند: یکی از عالی ترین مقامات نظامی آن کشور را در مکانی غیرنظامی ترور کرده، سنگین ترین تحریم ها را علیه مردم و مقامات عالی آن کشور وضع و تجارت و اقتصاد آن کشور را عملاً فلج نموده است. به تاسیسات هسته ای آن کشور حمله آورده و یا دانشمندان هسته ای آن را در روز روشن و در نزدیکی پایتخت آن کشور ترور کرده اند...



به صورت رسمی تکذیب نشد. می‌توان گفت که این اقدام خرابکارانه نیز بدون پاسخ ماند. سیل تحریم‌های آمریکا از هر سو به سمت ملت ایران و حتی مقامات کشور سرازیر می‌شود و حتی پس از رفع تحریم تسلیحاتی ایران، آمریکا مکانیسم ماشه را فعال می‌کند؛ امری که به دلیل خروج از برجام صلاحیت اعمال آن را ندارد (برای آگاهی بیشتر از مکانیسم ماشه به شماره دوم نشریه مراجعه کنید) اما واکنش مقامات نظام به این ماشه کشی‌ها چه بود؟ سکوت منفعلانه که برخی آن را صبر راهبردی نامیدند! به تازگی نیز یکی از برجسته‌ترین دانشمندان هسته‌ای ما، محسن فخری‌زاده، که برخی از او به عنوان طهرانی مقدم هسته‌ای یاد می‌کنند، در روز روشن و در نزدیکی پایتخت جمهوری اسلامی ایران به شهادت می‌رسد. رد پای اسرائیل نیز در این ترور به وضوح معلوم است. اما آیا این بار نیز قرار است واکنش ما مانند سایر واکنش‌هایمان به اتفاقات یکسال اخیر باشد؟ البته این صبر به اصطلاح راهبردی فقط به موضع ما در برابر آمریکا و اسرائیل محدود نمی‌شود؛ بلکه در برابر کشورهای اروپایی و حتی سران کشورهای عربی نیز چنین رفتار می‌شود. سکوت دولتمردان در برابر توهین مجدد نشریه فرانسوی شارلی ابدو به ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص)، نمونه اخیر آن است.



چرا باید واکنش قاطع نشان داد و انتقام سخت گرفت؟ بهتر است به این سوال این گونه پاسخ دهیم: اگر واکنش قاطع نشان ندهیم و انتقام سخت نگیریم چه می‌شود؟ پاسخ مشخص است: هرگاه در برابر آمریکا و اسرائیل عقب نشینی کردیم و منفعل شدیم، ضربه سختی خوردیم. دولت اصلاحات تلاش زیادی برای برقراری رابطه با آمریکا انجام داد و پالس‌هایی هم برای مذاکره از خود نشان داد. اما نتیجه چه بود؟ جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در زمان دولت دوم اصلاحات، در سخنرانی سالانه خود در کنگره در سال ۲۰۰۲، ایران را محور شرارت خطاب کرد. همچنین در مذاکراتی که کشورهای غربی با تیم مذاکره کننده وقت متشکل از حسن روحانی، جواد ظریف و سید حسین موسویان داشتند، خواستار پلمب تاسیسات هسته‌ای شدند. پلمبی که در روزهای پایانی

سوالاتی که فوراً به ذهن شما می‌رسد تا از استاد تاریخ بپرسید، چیست؟

واکنش کشورتان به این جنایات چه بود؟ این اقدامات متوقف شد یا نه؟ دلیل توقف یا عدم توقف این اقدامات چه بود؟ به نظر خودتان چه جوابی به سوالات مطرح شده باید داده شود تا بگویید که این کشور مقتدر و عزتمند است؟

حال چشمانتان را باز کنید. تاریخ یکسال اخیر کشور عزیزمان را مرور کنید. آمریکا و اسرائیل چه اقدامات خرابکارانه‌ای علیه میهن و ملت عزیز ما انجام دادند؟ از ترور سردار عزیزمان حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد تا کارزار فشار حداکثری و سیل تحریم‌ها علیه ایران، فعالسازی مکانیسم ماشه، احتمالاً حمله به تاسیسات هسته‌ای نطنز، ترور ناجوانمردانه دانشمند برجسته هسته‌ای محسن فخری‌زاده و قس علیهذا. واکنش ما به این جنایات چه بود؟ چه واکنشی نام ما را در تاریخ و در جهان به نام کشوری مقتدر و عزتمند ثبت خواهد کرد؟ اقدام متقابل و واکنش در خور یا سکوت و صبر راهبردی؟!؟

عزت، قدرت نظامی، امنیت و استقلال، همواره به عنوان دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران شناخته شده و به نوعی برند ایران در قرن بیست و یکم به شمار می‌روند. از نقش قاطع ایران در دفاع از مرزها و مبارزه با گروه‌های تروریستی و حمله به دیرالزور در واکنش به حملات تروریستی داعش به مجلس و مرقد شریف امام خمینی (ره) و سرنگونی پهپادهای آمریکایی تا نامه سردار شهید سلیمانی به وزیر دفاع آمریکا که «اگر لازم باشد از این هم نزدیک‌تر خواهیم شد» و حتی اقدامات متحدان ایران علیه آمریکا و اذنباش مانند حملات حزب الله به اسرائیل و حمله حوثی‌ها به تاسیسات نفتی آرامکو در عربستان. اما مدتی است که این برندها کمی تضعیف شده و مثل قبل عمل نمی‌کنند؛ در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۹۸ فرمانده سپاه قدس سردار شهید قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس از فرماندهان ارشد بسیج مردمی عراق (حشد الشعبی) در مکانی غیرنظامی و در پایتخت کشوری بی‌طرف یعنی فرودگاه بغداد ترور شدند و برای آنها تشییع جنازه باشکوه و کم‌سابقه‌ای برگزار شد. ملت و رهبر جمهوری اسلامی ایران درخواست انتقام سخت داشتند و نیروهای نظامی نیز چنین وعده‌ای دادند اما در نهایت تلفات و ضررهای داخلی نخستین واکنش ایران، از تلفات و ضررهای خارجی آن بیشتر بود! در تابستان امسال به یکی از مهم‌ترین تاسیسات هسته‌ای ایران یعنی تاسیسات نطنز حمله شد. هرچند که مقامات ایران رسماً مقصر را اعلام نکردند اما مقامات خارجی و رسانه‌های غیرفارسی مدعی نقش اسرائیل در این حملات شدند؛ ادعایی که هیچگاه به

ایرانی‌ترین آنهاست. به عبارت دیگر اگر فرضاً به جای بایدن دموکرات‌هایی مثل تولسی گیرد، پیت بودجج، برنی سندرز یا الیزابت وارن رئیس جمهور می شدند، می‌شد اندک امیدی به تغییر راهبرد و اهداف آمریکا نسبت به ایران داشت؛ چیزی که در مورد بایدن تقریباً محال است. البته مجلس انقلابی که نمایندگانش پیش از ورود به مجلس از واکنش منفعلانه دولت در برابر غرب انتقاد می کردند، پس از روی کار آمدن نیز واکنش در خوری انجام نداده و به چند نطق و توییت اکتفا کردند. به عنوان مثال پس از فعالسازی مکانیسم ماشه انتظار می‌رفت که مجلس بلافاصله مصوبه‌ای در واکنش به این اقدام خلاف آمریکا تصویب و به مرحله اجرا گذارد اما چراغ خاموش و بی هیچ سر و صدایی از کنار آن رد شد. البته به تازگی و پس از ترور شهید فخری‌زاده مجلس مصوبه‌ای برای کاهش تعهدات ایران نسبت به توافق انجام شده داشت. این نکته لازم به ذکر است که هرچند این مصوبه از نظر تقارن زمانی بعد از شهادت محسن فخری‌زاده بود اما محتوای مصوبه هیچ ارتباطی به این شهید بزرگوار ندارد و صرفاً طرحی بود که مدتی در دستور کار مجلس بود و خون شهید به تصویب آن سرعت بخشید. هرچند که این مصوبه، واکنش تمام و کمالی نیست و حداقل خواسته‌های ملت انقلابی است که مثلاً صرفاً به کاهش نظارت‌های پروتکل الحاقی محدود می‌شود و مهلت دو ماهه‌ای به دولت از زمان لازم‌الاجرا شدن می‌دهد تا دست دولت برای آغاز مذاکره با دولت جدید آمریکا که در ابتدای بهمن ماه سرکار می‌آید بسته باشد، اما به هر حال بهتر از صبر راهبردی است. هرچند که نمی‌توان فشار افکار عمومی و تجمعات جوانان انقلابی جلوی مجلس که حاصل خون شهید فخری‌زاده بود را در تسریع تصویب این مصوبه نادیده گرفت.

● به طور کلی سکوت و صبر مجلس ۳ دلیل عمده دارد ●

- همراهی کردن با زمینه‌های شکست دونالد ترامپ و انتظار برای روی کار آمدن دولت جدید آمریکا و حتی تمایل برخی از آنها برای مذاکره با دولت بایدن البته به روش خودشان.
 - مسلماً واکنش‌های مجلس تأثیرات منفی در قیمت‌ها و در بازار ارز و سکه و شاخص بورس در کوتاه مدت خواهد داشت. از طرفی دولت نیز خواهان چنین رفتار و واکنشی از جانب بازار است تا تمام مشکلات را به گردن مجلس منتقدش بیندازد.
 - پرهیز از مخاברה این پیام به داخل و خارج که مجلس جدید جنگ طلب و مخالف صلح و مذاکره است.
- هر سه این دلایل به طور مستقیم در انتخابات ۱۴۰۰ تأثیر دارد و مجلس نمی‌خواهد در این مسیر شانس خود را برای روی کار آمدن دولت هم سو با خود را از دست بدهد اما غافل از اینکه این تعلل‌ها به رییس‌جمهور و کابینه‌اش فرصت و مجال می‌دهد تا بتوانند زمینه‌های مذاکره با دولت جدید آمریکا را فراهم کرده و با مسلط کردن باور نیاز به مذاکره و توافق جدید با آمریکا، از این طریق دولت آینده را نیز همفکر با دولت خودشان سرکار بیاورند. اگر این احتمال محقق شود آن زمان است که مجلس هم چوب را خورده و هم پیاز را!

دولت اصلاحات و همزمان با روی کار آمدن اصولگرایان شکسته شد. دولت اعتدال نیز که گفتمان خود را بر محور مذاکره بنیان نهاده بود، سرانجام با ۱+۵ در حوزه هسته‌ای به توافق رسید. بررسی اشتباهات و ضعف های مذاکره‌کنندگان ایرانی در برجام را به وقت دیگری واگذار می‌نماییم و می‌گذریم اما همین برجام پر اشتباه نیز از جانب خود طرف‌های اروپایی نقض و آمریکا از آن یک طرفه و بدون پرداخت هیچ خسارتی خارج شد. حتی پس از موعد رفع تحریم تسلیحاتی ایران، آمریکا بدون اینکه صلاحیت داشته باشد، دست به فعالسازی مکانیسم ماشه زد. سیاست فشار حداکثری علیه ایران را پیگیری کرد و همچنین علاوه بر مسئولین مختلف نظام در دستگاه‌های مختلف و حتی تحریم‌هایی مربوط به مقام معظم رهبری و افزودن سپاه به لیست گروه‌های تروریستی، برخی از وزرا و مقامات دولتی را نیز تحریم کرد؛ از جمله وزیر نفت، وزیر اطلاعات، وزیر کشور، وزیر ارتباطات، مقامات سازمان انرژی اتمی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و حتی خود وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی! حداکثر واکنش دولت ایران چه بود؟ چهارگام کاهش تعهدات هسته‌ای که بیشتر مصرف داخلی داشت تا خارجی و نه تنها باعث کاهش نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشد، که نظارت‌های آژانس را تشدید نیز کرد.

در ماه‌های اخیر نیز دولتمردان علیرغم مخالفت صریح رهبری، دم از مذاکره با دولت جدید آمریکا می‌زنند. گویی جو بایدن و هریس ناجیانی هستند که روی کار آمدن آنها باعث پایان تمامی ظلم‌های آمریکا علیه ایران می‌شود! مگر رفتار دولت‌های دموکرات سابق آمریکا با ما دوستانه و خیرخواهانه بود که حال به دولت دموکرات آینده آمریکا دل خوش کرده‌ایم و تمامی مسائل را به مذاکره با آن گره می‌زنیم؟ مگر برای اولین بار این جیمی کارتر دموکرات نبود که در تاریخ هشت آوریل ۱۹۸۰ دستور قطع تمامی روابط سیاسی دیپلماتیک بین آمریکا و جمهوری اسلامی را صادر کرد؟ مگر اوبامای دموکرات که از قضا همین جو بایدن معاون اول او بود، معمار اولیه تحریم‌ها علیه ایران نیست؟ مگر همین دولت دموکرات اوباما سازمان تروریستی مجاهدین خلق که ضربه‌های جبران‌ناپذیری در سال‌های آغازین انقلاب به ما وارد کرد را از لیست گروه‌های تروریستی خارج نکرد؟ به گونه‌ای برخی خروج ترامپ از کاخ سفید را به شکست قاتل سردار سلیمانی تعبیر می‌کنند که انگار بایدن قرار است عکس سردار را در ورودی کاخ سفید نصب کند. مگر همین بایدن فردای ترور سردار سلیمانی بیانیه‌ای جسورانه‌ای نسبت به سردار منتشر نکرد و نگفت که «عدالت درباره سردار سلیمانی اجرا شد»؟ حتی اگر بپذیریم که رفتار و راهبرد دموکرات‌ها با جمهوری خواه‌ها متفاوت است، بین دموکرات‌هایی که در ابتدا برای نامزدی ریاست جمهوری ۲۰۲۰ کاندیدا شدند، بایدن ضد

درباره شهید سلیمانی: زندگینامه مختصر و مرور خاطرات

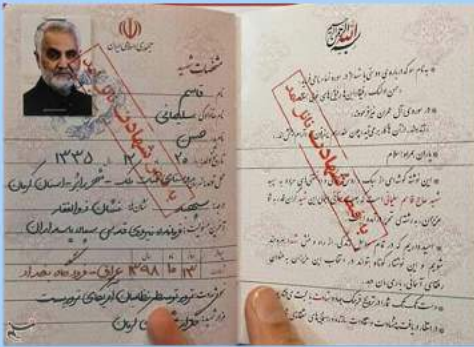
حامد رسولخانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اصلاح
و کیفرهای قضایی دانشگاه علون قضایی و خدمات اداری

حاج شهید سلیمانی

قسمت اول: زندگینامه



تولد



شهید حاج قاسم سلیمانی ۲۰ اسفند ماه سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک از توابع رابر کرمان در یک خانواده کارگری چشم به جهان گشود. ۱۱ سال بیشتر نداشت که پس از پایان تحصیلات ابتدایی به کرمان رفت. پس از اخذ دیپلم به شغل بنایی مشغول شد و بعدها فعالیت خود را به عنوان پیمانکار در اداره آب کرمان آغاز کرد.

دوران جوانی و پیروزی انقلاب اسلامی

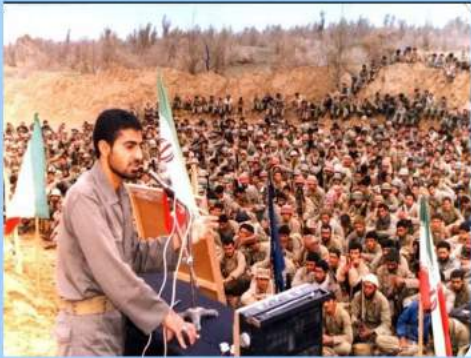


با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیمانکاری در اداره آب کرمان به صورت افتخاری به عضویت سپاه کرمان درآمد. پیش از آغاز دفاع مقدس و با شورش کردها به مناطق غرب کشور رفت. در حوادث انقلاب اسلامی ایران با روحانی مشهدی به نام رضا کامیاب آشنا شد که او را وارد جریان انقلاب کرد. سهراب سلیمانی برادر شهید می‌گوید که او یکی از گردانندگان اصلی راهپیمایی‌های کرمان در زمان انقلاب بود.

آغاز دفاع مقدس



هنگامی که عراق در سال ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد، حاج قاسم سلیمانی چندین گردان از کرمان را آموزش داد و به همراه آن‌ها راهی مناطق عملیاتی جنوب کشور شد. او حتی در دوره‌ای فرماندهی سپاه آذربایجان غربی را نیز بر عهده داشت. با خاتمه یافتن شورش کردها به کرمان بازگشت و فرمانده پادگان قدس سپاه کرمان شد.



تاسیس لشکر ثارالله و نخستین فرمانده این لشکر

اواخر سال ۱۳۶۰ سردار سرلشکر پاسدار محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران طی حکمی سردار سلیمانی را به فرماندهی تیپ ثارالله منصوب کرد. او بسیار زیرک بود و با استفاده از همین ویژگی در عملیات‌های مختلفی همچون والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۵، تک شلمچه و چندین عملیات دیگر بسیار موفق عمل کرد که حاصل آن کارنامه‌ای درخشان در این دوران بود.



مبارزه با اشراک و قاچاقچیان

سردار حاج قاسم سلیمانی پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشراک شد که از مرزهای شرقی ایران هدایت می‌شدند. او تا قبل از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس، با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان می‌جنگید.



نیروی قدس سپاه و انتصاب به عنوان دومین فرمانده این نیرو

سردار حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ با حکمی از سوی آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، پس از سردار احمد وحیدی به عنوان دومین فرمانده این نیرو انتخاب شد. او در این نیرو فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه تقویت و گسترش فعالیت‌های محور مقاومت داشت. در واقع این فعالیت‌های سردار سلیمانی در کنار شهید عماد مغنیه بود که سبب قدرتمندتر شدن این نیرو و ناکامی رژیم صهیونیستی در رسیدن به اهداف خود در خصوص فلسطین و همچنین لبنان شد.



ارتقا به درجه سرلشکری توسط فرمانده کل قوا

سال ۱۳۸۹ بود که سردار سرتیپ پاسدار حاج قاسم سلیمانی به جهت خدمات فراوان خود از سوی آیت الله خامنه‌ای فرمانده کل قوا و رهبر انقلاب اسلامی با یک درجه ارتقاء به درجه سرلشکری رسید.



حضور در عراق، سوریه و مبارزه با داعش

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شخصیتی بسیار برجسته در جبهه مقاومت و از یادگاران دوران دفاع مقدس بود. هنگامی که خبر شهادت او در رسانه‌های اعلام شد، شاید بسیاری از مردم هنوز باورش نمی‌شد که چنین اتفاقی رخ داده است. او چهره درخشان و برجسته محور مقاومت به ویژه در دوران مبارزه با شجره خبیثه ملعونه داعش بود. این شهید بزرگوار توانست جبهه مقاومت را در سراسر جهان تشکیل دهد و به همین دلیل هم آمریکا و صهیونیست‌ها و همه کفار مخالف سردار سلیمانی بودند.

فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در دفاع مقدس، سازمان‌دهنده نیروهای حزب الله در جنگ ۳۳ روزه لبنان و فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و کابوس داعش و جبهه‌النصره و دار و دسته‌شان امروز هدف اقدام تروریستی دولت آمریکا قرار گرفته است. واکنش‌ها به شهادت سرلشکر سلیمانی که برای بسیاری همچنان همان «حاج قاسم» سال‌های جنگ بود، در ۶۳ سالگی و پس از نزدیک به چهار دهه مبارزه بی وقفه نشان از محبوبیت کمیاب یک چهره نظامی داشت.

داعش و نقش مخرب آن در غرب آسیا



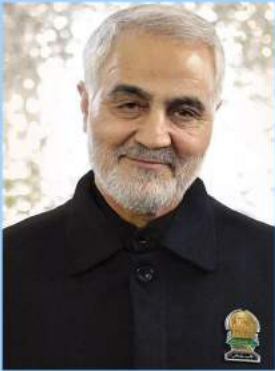
هنگامی که داعش در سال ۲۰۱۱ میلادی پیشروی‌های خود را در مناطق عراق و سوریه آغاز کرد؛ این سردار سلیمانی بود که با حضور خود در این مناطق و با تشکیل جبهه مقاومت کمر بیزیدیان زمان را شکست.

دولت اسلامی عراق در آن زمان عملیات‌های تروریستی زیادی را در عراق پایه‌ریزی کرد؛ بعد از دستگیری «ابومریم البغدادی»، ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۰ میلادی به عنوان سرکرده این گروه تروریستی تعیین شد؛ همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر گروه تروریستی دولت اسلامی عراق فعالیت‌های خود در سوریه را آغاز کردند و شاخه این گروهک در عراق با نام «جبهه النصره لاهل الشام» تشکیل شد و در نهایت در سال ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی در پیامی صوتی ادغام «جبهه النصره» و «دولت اسلامی در عراق» را اعلام کرد تا به اصطلاح دولت اسلامی در عراق و شام تحت عنوان داعش تشکیل شود.

داعشی‌های تروریست خیلی زود و در اوائل سال ۲۰۱۴ با انجام عملیات‌های تروریستی و کشتار بی‌رحمانه مردم وارد شهر فلوجه در استان الانبار عراق شدند و پس از آن نیز در شهرهای مختلف این کشور تحرکاتی را انجام دادند. خرداد سال ۱۳۹۳ تروریست‌های داعش که از حمایت دشمنان استقلال عراق و منطقه غرب آسیا برخوردار بودند، به مرکز استان نینوی در عراق یعنی موصل حمله و فقط در چند ساعت این شهر را تصرف کردند.

سردار سلیمانی با تشکیل محور مقاومت با نیروهایی مانند جنبش النجباء و کتائب حزب الله و همچنین حشدالشعبی در عراق و گروه‌هایی نظیر بسیج مردمی سوریه و اتحاد آنها با مدافعان حرم از ایران و تیپ فاطمیون و زینبیون در مقابل داعش ایستادگی کرد و در نهایت با رشادت‌های فراوان در حالی که به گفته بسیاری از فرماندهان نظامی، داعش تا پشت دروازه‌های کاخ ریاست جمهوری سوریه رسیده بود و هیچ کس فکر نمی‌کرد که دیگر امیدی به شکست داعش باشد؛ سردار سلیمانی به همراه مدافعان حرم ایستادگی نموده و مانع از گسترش این شجره منحوس شوند.

در نهایت در سی‌ام آبان ماه سال ۹۶ بود که سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب پایان رسمی حکومت گروه تروریستی داعش را اعلام کرد. این اتفاق مهم با پایین کشیدن پرچم داعش در شهر بوکمال سوریه نهایی و به همگان نیز اعلام شد. در واقع این وعده صادقی بود که در آخرین روزهای تابستان همان سال هم از سوی فرمانده نیروی قدس سپاه در مراسم اربعین یکی از فرماندهان جبهه مقاومت شهید «مرتضی حسین پور» در گلزار شهدای شلمان لنگرود از سوی او اعلام شده بود.



حاج قاسم سلیمانی خادم حرم امام رضا (ع)

او در تیرماه سال ۹۳ با حکم حجت الاسلام رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی، مفتخر به خادمی حضرت امام رضا(ع) شد.

دریافت نشان ذوالفقار از دست فرمانده معظم کل قوا



حضور موثر سردار سلیمانی در صحنه مبارزه با داعش و شکست این گروهک ضاله باعث شد تا حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب نشان نظامی ذوالفقار یعنی بالاترین نشان نظامی ایران را به او اعطا کند. طبق آئین نامه اهدای نشان های نظامی جمهوری اسلامی ایران، این نشان به فرماندهان عالی رتبه و روسای ستادهای عالی رتبه در نیروهای مسلح اهدا می شود که تدابیر آن ها در طرح ریزی و هدایت عملیات های رزمی موجب حصول نتایج مطلوب شده باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سردار حاج قاسم سلیمانی نخستین کسی است که این نشان را دریافت کرده است. البته سردار سلیمانی تا پیش از دریافت این نشان سه نشان فتح را هم از دستان فرمانده معظم کل قوا دریافت کرده بودند.

شهادت و دیدار معبود



سردار سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی پس از عمری مجاهدت سرانجام توسط موشک های لیزری پهپاد آمریکایی در بامداد روز ۱۳ دی ماه امسال به همراه شهید ابومهدی المهندس نائب رئیس حشد الشعبی، سردار پورجعفری رئیس دفتر شهید سلیمانی، شهید وحید زمانی نیا و شهید هادی طارمی و شهید محمدرضا الجابری رئیس تشریفات حشد الشعبی در پی حمله پهپادی نیروهای آمریکایی به کاروان آن ها در فرودگاه بغداد به شهادت رسیدند.

راه شهکپدان ادامه دارد...

قسمت دوم: مرور خاطرات

توفیق بوسه بر پاهای مادر



مادر بزرگوار سردار حاج قاسم سلیمانی که از دنیا رفتند، پس از چند روز با جمعی از خبرنگاران تصمیم گرفتیم برای عرض تسلیت به روستای قنات ملک برویم. با هماهنگی قبلی، روزی که سردار هم در روستا حضور داشتند، عازم شدیم. وقتی رسیدیم ایشان را دیدیم که کنار قبر مادرشان نشسته و فاتحه می خوانند. بعد از سلام و احوال پرسی به ما گفتند من به منزل می روم شما هم فاتحه بخوانید و بیایید. بعد از قرائت فاتحه به منزل پدری ایشان رفتیم. برایمان از جایگاه و حرمت مادر صحبت کرد و گفت: «این مطلبی را که می گویم جایی منتشر نکنید.» گفت: «همیشه دلم می خواست کف پای مادرم را بوسم ولی نمی دانم چرا این توفیق نصیب نمی شد. آخرین بار قبل از مرگ مادرم که این جا آمدم، بالاخره سعادت پیدا کردم و کف پای مادرم را بوسیدم. با خودم فکر می کردم حتماً رفتنی ام که خدا توفیق داد و این حاجتم برآورده شد. سردار در حالی که اشک جاری شده بر گونه هایش را پاک می کرد، گفت: «نمی دانستم دیگر این پاهای خسته را نخواهم دید تا فرصت بوسیدن داشته باشم.»

رفتار حاج قاسم با دیگران



حمید حسنی هم‌رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی: «ایشان خصایص اخلاقی بسیار زیادی همچون ایثار، از خودگذشتگی و مردم‌داری داشتند و به عنوان فرمانده هرگز به ما اجازه نمی دادند که با مردم رفتار بدی داشته باشیم. ایشان به صله رحم خیلی اعتقاد داشتند و نیکی به پدر و مادر را سرلوحه کار خود قرار می دادند. ایشان وقتی بعد از ماموریت به کرمان برمی گشتند، بعد از فرودگاه مستقیم به رابر برای دستبوسی و دیدار با والدین می رفتند. خود ایشان به همسرشان و خانواده خود بسیار احترام می گذاشتند. حاج قاسم سلیمانی بسیار مظلوم بودند. ایشان گاهی از خستگی زیاد در حسینیه پتویی زیر سرشان می گذاشتند و استراحت می کردند.»

مرام علوی (به نقل از خود شهید سرافراز سپهبد سلیمانی)



در جلسه‌ای که خدمت مقام معظم رهبری رسیده بودیم، من این مسئله را مطرح کردم و خبر دستگیری و شرح ماوقع را به ایشان گفتم و منتظر عکس العمل مثبت و خوشحالی ایشان بودم. رهبری بلافاصله فرمودند: «همین الان زنگ بزن آزادش کنند!» من بدون چون و چرا زنگ زدم، اما بلافاصله با تعجب بسیار پرسیدم که: «آقا چرا؟ من اصلاً متوجه نمی شوم که چرا باید این کار را می کردم؟ چرا دستور دادید آزادش کنیم؟» رهبری فرمودند: «مگر نمی گویی دعوتش کرده ایم؟» بعد از این جمله من خشکم زد. البته ایشان فرمودند: «حتماً دستگیرش کنید.» و ما هم در یک عملیات سخت دیگر دستگیرش کردیم. مرام شیعه این است که کسی را که دعوت می کنی و مهمان تو است حتی اگر قاتل پدرت هم باشد حق نداری او را آزار بدهی.»

قسمت سوم: دنوشته‌ای برای حاج قاسم

Subject

Year: month: day:

سردار به تو غبطه خوردم که هرگز دنبال نام و عنوان نبودی. هرگز به فکر استراحت نبودی. مثل برخی‌ها سجاده آب‌کش هم نبودی. وسط نماز از یتیم شهید گل و برگ گل گرفتی و هرگز به خاطرت رسوخ نکرد که شاید نمازم باطل شده باشد. شاید فکر کردی این نماز نزد حق محبوب تر است و بلافاصله بعد از نماز یتیمی را که به تو گل داده بود غرق بوسه کردی.

سردار این قدر خاکی بودی که به جز در مراسم رسمی درجه‌هایت را نصب نمی‌کردی. لباس سبزه یا تنت نبود یا اگر بود، خاکی و گلی بود. از همسرت خواستی که بر سنگ مزارت بنویسند: سرباز قاسم سلیمانی. بدون عنوان.

وقتی در سایت‌ها دنبال می‌گشتم و دیدم به جز تاریخ و محل تولد، اطلاعات بیشتری در دسترس نیست فهمیدم که ما واقعا تو را نمی‌شناختیم. تو اهل همت بودی نه اهل صحبت. مرد عمل بودی و نه مرد شعار.

خوشا بحالت که یار نظام بودی و نه مثل بعضی‌ها بار نظام. تو سرباز ایران بودی نه سرباز ایران.

و در آخر در سرزمینی که مولا و مقتدایت به شهادت رسید، به وسیله اشقیا به شهادت رسیدی. پیکر مطهرت باز به زی ارت رفت. کربلا، کاظمین، نجف، قم و مشهد و آن وقت در خاک آرام گرفتی تا به افلاک قدم بگذاری.

سردار دلها شهادتت مبارک! سردار ما را ببخش که تو را نشناختیم. البته که آسمانیاں تو را بهتر می‌شناسند.

سردار ببخش که درجه نظامی‌ای بالاتر از سپهبد نداریم که بر دوش و یا برسینهات بگذاریم. سردار ما تا بحال فکر می‌کردیم که تو فتح‌الفتوح کردی ولی تشییع جنازهات به ما فهماند که تو فتح‌القلوب کردی.

سردار برای ما دعا کن. مسیر دشوار است. بدون تو سخت است. دعايمان کن که به دعايت سخت محتاجيم.

تبیین مفهوم تروریسم و تاریخچه مختصر

برخی بر این باورند که واژه تروریسم در معنایی که امروزه از آن استفاده است، با انقلاب کبیر فرانسه و در خطاب به وقایع آن دوران وارد ادبیات سیاسی شده است. در مقابل عده‌ای با تعمیم مصادیق آن به حوادث دوران امپراطوری روم و خاورمیانه، تروریسم را همزاد جوامع بشری قلمداد کرده‌اند. در واقع سیر تکوین و تحول پدیده تروریسم را می‌توان به چهار دوره تاریخی تقسیم نمود:

- دوره اول از ابتدای قرن اول میلادی تا انقلاب فرانسه (تروریسم سنتی)،
 - دوره دوم از انقلاب فرانسه (رنسانس) تا قرن بیستم (تروریسم سازمان یافته)،
 - دوره سوم تحول از قرن بیستم تا حادثه ۱۱ سپتامبر (تروریسم پیشرفته)
 - دوره چهارم که از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ شروع شده و تا کنون ادامه دارد (تروریسم نوین).
- ارائه تعریف کامل و جامع از تروریسم همواره دارای چالش و پیچیدگی بوده است و تا کنون، هر یک از دولت‌ها و بازیگران عرصه بین الملل، از چشم‌انداز منحصر به فرد خود به موضوع تروریسم نگریسته و به تعریف و تصمیم‌گیری در تعامل با مظاهر آن پرداخته‌اند؛ برای مثال گروهی از سوی یک دولت تروریست شناخته شده است و در آن واحد از منظر دولت دیگر آزادی بخش. این چندگانگی موجود در تعریف و موازین شناسایی مصادیق، یکی از عوامل اصلی ناتوانی جامعه بین المللی برای تأسیس یک نهاد توانمند و اثربخش برای مقابله با تروریسم است.

تعریف لغوی و اصطلاحی ترور و تروریسم

در لغتنامه دهخدا، ترور ماخوذ از واژه فرانسوی به معنی «قتل سیاسی به وسیله‌ی اسلحه» و تروریست یعنی کسی که طرفدار خشونت بوده و ایجاد رعب و ترس نماید و اصطلاح تروریسم یعنی «عقیده داشتن به اصل حکومت وحشت و لزوم رعایت آن».

تروریسم، روش کسانی است که آدم‌کشی و تهدید مردم و ایجاد خوف و وحشت را به هر طریقی که باشد برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود از قبیل تغییر حکومت یا در دست



مقدمه

سال‌هاست مبارزه با تروریسم یکی از عمده مباحثات جامعه بین المللی بوده است. اعمال تروریستی نظیر قتل، گروگانگیری، هواپیمارمایی و تخریب اموال و اماکن با نقض فاحش حقوق بشر و برهم زدن صلح، روابط بین المللی را تحت تاثیر قرار داده و دستخوش تغییر کرده‌اند. در عصر حاضر با رشد چشمگیر اعمال تروریستی تحت تاثیر اقدامات برخی دولت‌ها و ظهور موجودیت‌های نامشروع نظیر شبه دولت‌های قدرتمند القاعده و داعش و گروهک‌های تروریستی فعال در سرتاسر جهان، دولت‌ها به اهمیت هر چه بیشتر مبارزه با این تهدیدات پی برده‌اند. به استناد آمارها، جمهوری اسلامی ایران هم جز قربانیان تروریسم است. علاوه بر به قتل رسیدن چهره‌های سرشناس کشور چون سردار شهید قاسم سلیمانی و شهید فخری‌زاده و سایر دانشمندان هسته‌ای در سال‌های اخیر، در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۶ ترور بیش از ۱۶۰۰۰ نفر در ایران توسط گروه‌های تروریستی که بیش از ۱۲۰۰۰ نفر آنان توسط گروهک منافقین صورت گرفته است، مثبت این مدعاست. در این نوشتار به بررسی مفهوم تروریسم در گذر تاریخ و همچنین از لسان حقوقی با تاکید بر کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود در مقابله با آن به مثابه یک تهدید تمام عیار علیه صلح جهانی و چالش جدی پیش روی جامعه بین‌المللی پرداخته شده است.

- با هدف ایجاد رعب و وحشت و عدم امنیت، اگرچه الزامات جماعت مورد نظر دچار ترس و وحشت نگردند.
- ایجاد فضای سیاسی متشنج از طریق بی‌ثبات کردن نظم عمومی.»

این تعریف را از دو جهت می‌توان مورد نقد قرار داد. اولاً مطابق این تعریف ممکن است فردی مجموعه‌ای از جنایات خونین و خشونت‌بار را مرتکب شود و گروهی را مرعوب و وحشت زده نماید اما از آنجایی که از فعل او بی‌ثباتی فضای سیاسی حاصل نشده است، عمل او از شمول این تعریف خارج گردد. ثانیاً این قانون تروریسم دولتی را در بر نمی‌گیرد؛ البته از آنجایی که جنبه داخلی دارد این مورد غیر منطقی به نظر نمی‌رسد. لکن در سطح جهانی وضعیت متفاوت است کمااینکه به گواهی تاریخ چه در دوران انقلاب فرانسه، چه در خصوص اعمال تروریستی رژیم آلمان هیتلری و حکومت‌های دیکتاتوری دیگری که چهره قرن بیستم را سیاه کردند، ریشه اصلی تروریسم در اعمال یک «قدرت حاکم» قرار داشته و در قرن حاضر هم دارای مصداق است.

در حقوق موضوعه کشورمان، علاوه بر تعریف مذکور در کنوانسیون بورکینافاسو از تروریسم که به واسطه «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی» پذیرفته شده است، می‌توان به ماده ۳ «قانون موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ترکیه در زمینه مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و تروریسم» اشاره کرد که اشعار می‌دارد: «...فعالیت‌های تروریستی، اقداماتی است که جهت اعمال زور و تحت فشار قراردادن دولت یا سازمان‌های دولتی با استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت به منظور ارباب جامعه یا کسب امتیاز سیاسی و یا اقتصادی، صورت می‌گیرد و...».

جمهوری اسلامی ایران در آخرین تلاش تقنینی خود در مبارزه با تروریسم بدواً در بند(الف) ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم با اصلاحات اخیر در تعریف این مفهوم آورده است: «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت آمیز از قبیل قتل، سوءقصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص و یا اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی». سپس در بندهای بعدی همین ماده درصدد بیان مصدیق این اعمال با توجه به قوانین سابق و اسناد بین‌المللی برآمده است.

به عقیده نگارنده نکته قابل توجه در مقام قیاس تعاریف ارائه شده در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران و فرانسه این

گرفتن زمام امور لازم و مباح می‌دانند. در فرهنگ و دانشنامه علوم سیاسی «ترور به کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنان و به عبارت دیگر به کشتار سیاسی اطلاق شده‌است».

● تعریف تروریسم در اسناد بین‌المللی و قوانین جزایی

تعریف ارائه شده در کنوانسیون ۱۶ نوامبر ۱۹۴۷ جلوگیری و مجازات تروریسم آمده است که اعمال تروریستی «اعمالی است جنایت‌کارانه علیه یک دولت که به قصد ایجاد حالتی از وحشت و ترور در افکار اشخاص خاص یا گروه‌هایی از افراد یا افکار عمومی به اجرا در می‌آید».

بر اساس اسناد بین‌المللی سه شرط برای شناسایی یک رفتار به عنوان عمل تروریستی وجود دارد:

- احتمال کشتن یا حداقل آسیب بدنی شدید وجود داشته باشد.
- از طرف شخص یا سازمانی با طراحی قبلی و با هماهنگی و با هدف مشخص صورت گرفته باشد.
- هدف از اقدام، ایجاد ترس و وحشت میان اشخاص، گروه‌ها و مردم یک کشور خاص باشد.»

همچنین کنوانسیون سازمان اجلاس اسلامی به عنوان دومین سازمان بین‌دولتی پس از سازمان ملل با عضویت ۵۷ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران، در ماده یک پیش نویس کنوانسیون سال ۱۹۹۹ بورکینافاسو، تروریسم را چنین تعریف کرده است: «تروریسم هر اقدام خشونت‌آمیز یا تهدید به آن است که صرف نظر از مقاصد مرتکبان آن به منظور ارباب مردم یا تهدید آنان صورت گیرد و موجب به خطر انداختن جان یا امنیت آنان یا آسیب رسیدن به محیط زیست یا به یکی از تأسیسات، اموال خصوصی یا عمومی گردد.» به طور کلی از دیدگاه کشورهای غیرمتعهد، تروریسم هر خشونت‌آمیزی است که به وسیله دولت‌ها یا نمایندگان آنها علیه مردمی صورت گیرد که برای استقلال سیاسی یا آزادی از سلطه بیگانگان و نژادپرستانه یا علیه تجاوز می‌کوشند و در یک کلمه اعمال خشونت علیه مردمی است که برای حق تعیین سرنوشت خود مبارزه می‌کنند.

از منظر حقوقی، تعریف تروریسم در قوانین جزایی تعدادی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران به صراحت ذکر شده است. به عنوان نمونه، در قانون جزای فرانسه به «عمل مجرمانه‌ای اطلاق شده است که به صورت فردی یا جمعی و با توسل به رعب و وحشت و به قصد برهم زدن شدید نظم عمومی، ارتکاب می‌یابد.»

در این تعریف ۳ عنصر مهم باید مورد توجه قرار بگیرد:

- استفاده از خشونت و نیز تهدید به استفاده از خشونت.

۱۳۷۳ و ۱۵۳۴) که علی‌رغم الزام آور نبودن دارای ارزش سیاسی هستند و حاکی از حمایت دولت‌ها از کنوانسیون‌های ضد تروریسم و تمایل آن‌ها به اجرای مقررات بین‌المللی در این خصوص است که این مختصر مجال بررسی آنها را ندارد.

با توجه به گستره انواع و اشکال وقوع اقدامات تروریستی در قلمرو خشکی، هوایی و دریایی در مورد آن‌ها سند واحدی موجود نیست. علی‌ای حال اکنون چندین کنوانسیون بین‌المللی وجود دارد که با توجه به اشکال مختلف این اقدامات، از سوی مجمع عمومی و موسسات تخصصی ملل متحد به تصویب رسیده‌اند که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

کنوانسیون توکیو در مورد جرائم و اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما (۱۹۶۳)

این کنوانسیون که در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ امضا شد و هم اکنون با ۱۸۶ عضو لازم الاجراست، نخستین تلاش ایکائو در واکنش به افزایش اعمال هواپیمارمایی و خرابکاری در هواپیما و تاسیسات هوانوردی به خصوص در دهه ۶۰ میلادی بود. این کنوانسیون تعریف یا فهرست خاصی از اعمالی را که باید سرکوب شوند، ارائه نمی‌کند؛ اما به موجب ماده ۱ کنوانسیون جرائم ناقض حقوق کیفری یا اعمالی که بر اساس حقوق کیفری جرم محسوب نمی‌شوند اما امنیت هواپیما یا اشخاص و اموال واقع در آن یا نظم درون هواپیما را به خطر می‌اندازند، مشمول مقررات این کنوانسیون خواهند بود. همچنین ماده ۱۱ آن به نوع خاصی از تروریسم، یعنی راه‌زنی هوایی پرداخته است. ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی داخل هواپیما به شکل غیرقانونی و با توسل یا تهدید به زور مرتکب عمل دخالت، تصرف یا اعمال کنترل ناروا بر هواپیمای در حال پرواز شود یا هرگاه چنین عملی در حال وقوع باشد، دولت‌های متعاقد برای حفظ یا بازگرداندن کنترل هواپیما به فرمانده قانونی آن کلیه تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند کرد».

این کنوانسیون کشورهای عضو را ملزم به اتخاذ تدابیر لازم برای احضار متهمان و اجرای صحیح دادرسی و اقدامات مربوط به استرداد کرده است.

کنوانسیون لاهه (۱۹۷۰) جلوگیری از تصرف غیر قانونی هواپیما

کنوانسیون لاهه در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ به دلیل کاستی‌های کنوانسیون توکیو و افزایش عملیات‌های تروریستی علیه امنیت هوانوردی تنظیم شد و درباره سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما در خارج از قلمرو کشور صاحب پرچم است و مانند کنوانسیون توکیو، هواپیمای نظامی و امنیتی در صلاحیت موضوعی این کنوانسیون نمی‌گنجد. این کنوانسیون که با هدف تقویت همکاری هر چه بیشتر میان کشورهای عضو در خصوص هواپیمارمایی تهیه شده است، ضمن تعریف جرم هواپیمارمایی،

است که قانونگذار در قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم با قید نکردن شرط برهم خوردن نظم عمومی (که در این جا مقصود معنای داخلی آن است) از طرفی موضع انتقادی اول از جهت دایره شمول تعریف قانونگذار فرانسوی را مرتفع ساخته و از طرفی با در نظر داشتن ماهیت بین‌المللی تروریسم از محدود کردن دامنه تعریف آن به داخل مرزها احتراز کرده است. در نتیجه با خوانش توامان تعریف موجود در قانون اخیر الذکر و تعریف مذکور در قانون الحاق به کنفرانس اسلامی ۱۹۹۹

مشمول بودن دیدگاه قانونگذار ایران بر «تروریسم دولتی» روشن می‌گردد که بر خلاف تعریف قانونگذار فرانسه، در این خصوص راه‌گشا است.

با نظر در تعاریف فوق الذکر و وجوه مشترک آن‌ها می‌توان معنای تروریسم را تلخیصاً بدین نحو بیان نمود: «تروریسم عبارت است از استفاده غیرقانونی خشونت یا تهدید به خشونت بر ضد اشخاص یا اموال به قصد پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی که هدف آن ایجاد رعب و وحشت یا واداشتن حکومت، افراد یا گروه‌ها به تغییر رفتار یا سیاست‌هایشان است.»

اقدامات جامعه جهانی علیه تروریسم

گرچه از ابتدا اقدامات مختلفی اعم از یکجانبه، دوجانبه و منطقه‌ای برای کنترل تروریسم صورت گرفته بود، اما اقدامات همه‌جانبه با مشارکت تمامی دولت‌ها در مبارزه با تروریسم امری اجتناب ناپذیر می‌نمود. تلاش‌های جهانی برای مقابله با تروریسم با تاسیس جامعه ملل شروع شد.

در سال ۱۹۳۴ جامعه ملل با تهیه پیش‌نویس کنوانسیون مبارزه با تروریسم، اولین گام اساسی را در مسیر جرم‌انگاری و مجازات این جرم برداشت. هر چند این کنوانسیون در نهایت در سال ۱۹۳۷ به تأیید رسید؛ اما هیچ‌گاه عملی و اجرا نشد.

پس از تشکیل سازمان ملل متحد و عضویت بیشتر کشورهای جهان و پذیرش منشور ملل متحد از سوی آنان، مبارزه با تروریسم در سطح بین‌المللی بر عهده این سازمان و ارگان‌های تابعه آن گذاشته شد و کشورها دریافتند فقط از طریق همکاری جهانی می‌توان به مبارزه علیه تروریسم اقدام کرد. این تلاش‌ها با ایجاد سازمان ملل متحد و گسترش تروریسم به خصوص در نیمه دوم قرن بیستم، شتاب گرفت. مهم‌ترین نتیجه رویکرد حقوقی جامعه بین‌المللی برای حل معضل تروریسم انعقاد کنوانسیون‌هایی بوده که در صدد تنظیم یا توسعه صلاحیت کیفری دولت‌های عضو نسبت به اعمال تروریستی و مجازات متهمان به ارتکاب چنین اعمالی است. علاوه بر این کنوانسیون‌ها، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های متعددی را به تصویب رسانده است (برای مثال قطعنامه‌های

تروریسم است که جان و آزادی اشخاص بی گناه را به خط می اندازد. هدف تروریست‌ها در ارتکاب چنین اعمالی مجبور ساختن طرف ثالث به انجام یا خودداری از انجام اعمال خاص است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ در این کنوانسیون گروگان‌گیری را به عنوان یکی از اشکال تروریسم بین‌المللی معرفی کرده و بر مجازات تمامی انواع آن تاکید می‌کند. ماده ۱۱ این کنوانسیون در تعریف جرم گروگان‌گیری آورده است: «هر شخص که به توقیف یا بازداشت و تهدید به کشتن، مصدوم کردن یا ادامه توقیف شخصی دیگر به منظور وادار کردن شخص ثالثی، یعنی یک کشور، سازمان بین‌الدولی، شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از افراد جهت انجام یا پرهیز از انجام اقدامی به عنوان شرط صریح یا ضمنی برای آزادی گروگان مبادرت نماید، در چارچوب مفهوم این کنوانسیون مرتکب جرم گروگان‌گیری شده است.»

به موجب ماده ۲ این کنوانسیون نیز تلاش برای ارتکاب گروگان‌گیری یا معاونت در آن جرم انگاری شده است. طبق این کنوانسیون کشورهای عضو لازم است با توجه به ماهیت و شدت جرایم مندرج در ماده یک، مجازات‌های مناسبی را وضع کنند (ماده ۳). در صورتی که مجرم در نتیجه گروگان‌گیری در یک کشور عضو، شی یا مالی را به دست آورده باشد که تحت توقیف آن کشور است، کشور عضو باید آن را در اسرع وقت به گروگان یا به مقامات ذی‌صلاح عودت دهد. این کنوانسیون تا سال ۲۰۱۶ توسط ۱۷۶ کشور امضا و لازم الاجرا گشته است.

کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی دریانوردی (۱۹۸۸)

به دنبال حادثه آکمیل لارو در اکتبر ۱۹۸۵ که در آن یک کشتی تفریحی ایتالیایی که در دریای مدیترانه حرکت می‌کرد، توسط گروه جبهه آزادی بخش فلسطین - شاخه ای از سازمان آزادی‌بخش فلسطین - با هدف آزادسازی ۵۰ تن از فلسطینیان در بند رژیم صهیونیستی ربوده و منجر به کشته شدن یکی از اتباع یهودی آمریکا شد، سازمان بین‌المللی دریانوردی این کنوانسیون را در ۱۰ مارچ ۱۹۸۸ در رم تهیه کرد. این کنوانسیون به جرم‌انگاری تصرف غیرقانونی کشتی یا ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز علیه سرنشین کشتی و از بین بردن یا وارد ساختن خسارات به کشتی یا محموله آن، از بین بردن تاسیسات یا دستگاه‌های دریانوردی، آسیب رساندن یا ایجاد اختلال در کار آنها یا انتشار اطلاعات با علم به مجهول بودن آن، که در اثر هر یک از این اعمال امنیت کشتی به خطر بیفتد یا موجب فوت یا صدمه شخصی شود، پرداخته است. این کنوانسیون که تا ژوئن ۲۰۱۶ توسط ۱۶۶ کشور امضا شده است، درباره کشتی‌های نظامی، گمرکی یا پلیسی اجرا نمی‌شود.

کشورهای عضو را ملزم به وضع مجازات‌های شدید علیه مرتکبان چنین اعمالی در قوانین کیفری کشورشان می‌کند. این کنوانسیون هم با ۱۸۶ عضو لازم الاجراست.

کنوانسیون مونترال (۱۹۷۱)

این کنوانسیون در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در تکمیل کنوانسیون‌های توکیو و لاهه و در رابطه با جلوگیری از اعمال غیرقانونی ضد امنیت هوانوردی غیر نظامی تنظیم شد و اکنون با ۱۸۸ عضو لازم الاجراست. هدف این کنوانسیون پاسخ به اعمال خشونت آمیز و خرابکارانه غیر از هواپیمارمایی و جرم‌ها و جرایم درون هواپیما است. تعریف جرایم در این کنوانسیون به گونه‌ای است که علاوه بر جرائم مذکور در کنوانسیون‌های قبلی، خرابکاری و حملاتی که بر روی زمین علیه تاسیسات هوانوردی صورت می‌گیرند را نیز شامل می‌شود. این کنوانسیون نیز مانند کنوانسیون‌های توکیو و لاهه برای هواپیماهای نظامی، گمرکی یا پلیسی اجرا نمی‌شود.

کنوانسیون نیویورک (۱۹۷۳) در مورد منع و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک

با توجه به ضرورت و اهمیت اتفاق نظر بین‌المللی در رابطه با اتخاذ تدابیر مناسب و کارآمد برای جلوگیری و مجازات جرایم ارتكابی ضد اشخاص برخوردار از مصونیت بین‌المللی و دیپلمات‌ها و همچنین با توجه به خطری که این‌گونه جرایم می‌تواند برای روابط و همکاری‌های دوستانه میان کشورها ایجاد کند، این کنوانسیون در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ در رابطه با مقابله و مجازات جرایم ارتكابی ضد اشخاص برخوردار از مصونیت بین‌المللی، در مقر دائمی سازمان ملل متحد در شهر نیویورک تهیه و تنظیم شد. موضوع این کنوانسیون، جرم قتل، ربودن، تهدید یا تعرض به افراد برخوردار از مصونیت بین‌المللی یا دفتر کار رسمی، محل سکونت یا وسیله نقلیه آن‌هاست. منظور از اشخاص برخوردار از مصونیت بین‌المللی، رهبران و روسای دولت یا حکومت، وزرای امور خارجه، دیپلمات‌ها و نماینده‌گان سازمان‌های بین‌المللی و خانواده‌های آن‌هاست (ماده یک). بر اساس این کنوانسیون، کشورهای عضو لازم است تدابیر لازم برای به کارگیری صلاحیت قضایی خویش را نسبت به جرایم مدنظر این کنوانسیون، معاونت در آن‌ها و مجازات مرتکبان به کار گیرند (ماده ۲). این کنوانسیون تا سال ۲۰۱۶ توسط ۱۸۰ کشور امضا شده و لازم الاجراست.

کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری (۱۹۷۹)

گروگان‌گیری یک عمل تروریستی و از شیوه‌های متداول

کنوانسیون مربوط به امنیت پرسنل سازمان ملل متحد و نیروهای همکار (۱۹۹۴)

در سال های اخیر پس از پایان جنگ سرد و افزایش تعداد عملیات پاسداری صلح ملل متحد و به موازات آن گسترش این عملیات و به کار گیری تعداد زیادی از نیرو های پاسدار صلح در مناطق بحرانی از سوی شورای امنیت، تعداد حملات به پرسنل یا اشخاص همکار سازمان ملل متحد رو به افزایش نهاده است.

با توجه به ماهیت تروریستی این حملات کنوانسیون مزبور در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴ به تصویب رسید. در پایان سال ۱۹۹۵، این کنوانسیون توسط ۴۳ کشور به امضا رسیده و در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۹ پس از تصویب آن توسط ۲۲ کشور به اجرا درآمد. تا ژوئن ۲۰۱۶، این پیمان توسط ۹۳ کشور امضا شده که شامل ۹۲ کشور عضو سازمان ملل به علاوه کشور فلسطین است.

کنوانسیون بین المللی جلوگیری از بمب گذاری تروریستی (۱۹۹۷)

بمب گذاری از شیوه های معمول تروریسم است که با هدف آدم کشی، تخریب اموال و اماکن و ایجاد رعب و وحشت انجام می شود. افزایش تعداد مرگ و میر، آسیب های بدنی و تخریب های وسیع ناشی از حملات تروریستی با به کار گیری مواد منفجره موجب شد تا اقداماتی برای مقابله با این اعمال خشونت آمیز و مجازات مرتکبان فراهم گردد. به همین دلیل در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل این کنوانسیون را تصویب نمود که به عنوان گامی جدی در مبارزه با تروریسم محسوب گردیده است. این کنوانسیون همچنین به دنبال ارتقاء همکاری پلیسی و قضایی برای جلوگیری، تحقیق و مجازات این اعمال می باشد و تا سپتامبر ۲۰۱۶، توسط ۱۶۹ کشور امضا شده است.

● موقعیت جمهوری اسلامی ایران ●

تا به این جای کار باید گفت جمهوری اسلامی ایران با عنایت به احکام مترقی اسلام که کلیه اشکال تروریسم را محکوم نموده است، اکثریت قریب به اتفاق معاهدات فوق الذکر را امضا نموده و با تصویب قانون الحاقی با در ضمن پذیرش معاهدات حائز اهمیت دیگر من جمله کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین المللی که مشتمل بر این کنوانسیون ها بوده اند خود را به مفاد این معاهدات پایبند نموده است. ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که غیر از موارد بالا اکنون دو کنوانسیون دیگر نیز در خصوص مبارزه با تروریسم وجود دارد. «کنوانسیون بین المللی برای جلوگیری از اعمال تروریسم هسته ای (۲۰۰۵)»

پروتکل مونترال (۱۹۸۸) متمم کنوانسیون مونترال

اعمال خشونت آمیز در فرودگاه های غیر نظامی، اتخاذ اقداماتی را برای تامین امنیت آنها ایجاب می کرد. از همین رو در ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ پروتکل مونترال به تصویب رسید که در اصول اساسی خود با کنوانسیون های لاهه و مونترال مشترک بوده و در واقع مکملی بر تعاریف جرایم موجود در کنوانسیون مونترال است و باید در کنار آن به صورت یک سند مطالعه و تفسیر شود. این پروتکل با ۱۷۵ عضو لازم الاجراست.

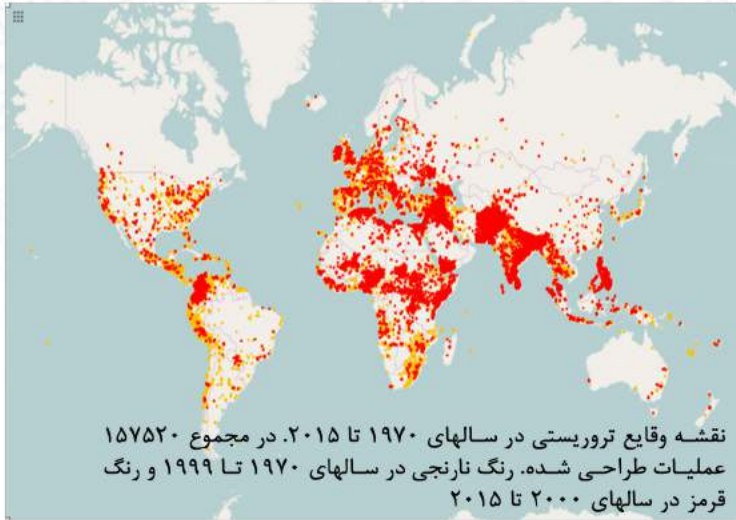
پروتکل رم در مورد مقابله با اعمال غیر قانونی علیه سکوهای ثابت واقع در فلات قاره (۱۹۸۸)

وجود بیش از ۵۰۰۰ سکوی واقع در دریا در سراسر جهان که مورد استفاده آن ها برای استخراج نفت و گاز است و دارای اهمیت اقتصادی فراوان هستند، این سکوها را به اهداف مناسبی برای عملیات تروریستی تبدیل کرده است. این اقدامات نه تنها جان مردم بیگناهی را که بر روی آن ها کار می کنند به خطر انداخته بلکه خسارت زیادی به اقتصاد و محیط زیست وارد می کند. به همین منظور این پروتکل که در ده مارچ هزار و نهصد و هشتاد و هشت در شهر رم تهیه و تنظیم شد، جرایم مندرج در کنوانسیون رم را نسبت به سکوهای ثابت واقع در فلات قاره جرم تلقی کرده است. با توجه به تغییرات پیش آمده در کنوانسیون ۱۹۸۸، پروتکل جدید مبارزه با جرایم تروریستی بر ضد سکوهای ثابت در فلات قاره در سال ۲۰۰۵ تهیه و تنظیم شد. این پروتکل با ۴۰ عضو لازم الاجراست.

کنوانسیون علامت گذاری مواد منفجره پلاستیکی با هدف کشف و ردیابی آن (۱۹۹۱)

در راستای قطعنامه مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۹ شورای امنیت که در آن از کلیه دولت ها دعوت شد تا یک رژیم بین المللی را برای علامت گذاری مواد منفجره پلاستیکی یا ورقه ای با هدف کشف و ردیابی آن ایجاد کنند و همچنین در راستای قطعنامه ۴ دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ایکنو کنوانسیونی را با عنوان علامت گذاری مواد منفجره پلاستیکی با هدف کشف آن در اول مارس ۱۹۹۱ به تصویب رساند که تعهداتی را در دو بخش برای اعضا ایجاد می کند. اول این که ساخت مواد منفجره علامت گذاری نشده را متوقف کرده، نقل و انتقال آن را کنترل بکنند و دوم این که مواد منفجره علامت گذاری شده را جانشین مواد منفجره دیگر بکنند. تا اکتبر ۲۰۱۸ تعداد ۱۵۵ کشور این کنوانسیون را امضا نموده اند.

وارد شده است. تمام این‌ها موضع این شک را تقویت می‌کند که معاهدات بین‌المللی مذکور علاوه بر عدم توفیق کافی در حصول اهداف و مبنایی در مبارزه با تروریسم، بعضاً خواسته یا ناخواسته، خود بستر وقوع این قبیل اقدامات را در ابعاد متفاوت و گسترده‌تر و به شیوه‌ای نوین فراهم کرده باشند. به طوری که اخیراً جامعه جهانی بیشتر با پدیده تروریسم دولتی دست و پنجه نرم می‌کند.



و «کنوانسیون کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)» که لایحه قانونی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون اخیر پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی با مخالفت شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام رو به رو شد و بدین نحو منتفی گردید.

گرچه جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط کنونی و بنا بر دلایلی چون وجود نگرانی‌هایی در خصوص مسئله دور زدن تحریم‌ها یا تروریستی خواندن جبهه‌ها و گروه‌های مقاومت، از باب مصلحت هنوز به این کنوانسیون‌ها ملحق نشده، لکن شایان ذکر است که اولاً مسئله این کنوانسیون‌ها هنوز محل بحث می‌باشد و ممکن است تحت شرایطی که مصلحت کشور ایجاب کند به آن‌ها ملحق بشود و ثانیاً ایران به عنوان کشوری زخم خورده از تروریسم همواره در مبارزه علیه این تهدید فعال بوده و مفاد این کنوانسیون‌ها را داوطلبانه به طوری که به آن‌ها اشاره شد در قوانین داخلی کشور (مانند قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی) وضع نموده و به آن‌ها پایبند است.

نتیجه‌گیری

التهایه باید اذعان داشت جدی‌تر شدن معضل تروریسم در دهه‌های اخیر و عرض اندام بیشتر عاملان این تهدید شوم در عرصه بین‌المللی باعث شده‌اند که در حال توسعه کشورها اعم از قوی و ضعیف و توسعه‌یافته و در حال توسعه برسد و آن‌ها را واداشته است تا به صورت جمعی اقدامات قابل توجهی در جهت جلوگیری و مقابله با این دست اعمال انجام دهند که مصادیق اجلی نتیجه این همکاری جهانی همین معاهدات هستند که بر مبنای اصل «استرداد یا مجازات» مرتکبان استوارند. لکن از منظر واقع‌بینانه و عمل‌گرایانه، نحوه عملکرد و توفیق این ساز و کارها با حالت ایده آل فاصله زیادی دارد. تعارضات منافع حاکمیت‌های مختلف، ملاحظات سیاسی عناصر بازیگر و تفاوت‌های بنیادین ایدئولوژیک با تاثیر مستقیم در تعریف و شناسایی تروریسم و نحوه انعکاس آن در مقررات داخلی آن‌ها و تفسیر سلیقه‌ای اسناد بین‌المللی از طرفی، و از طرف دیگر تاثیر آشکار امیال برخی قدرت‌های زیاده‌خواه، اولاً در نحوه نگارش و تنظیم این معاهدات و ثانیاً اعمال قدرت آن‌ها در روند اجرایی این ساز و کارها و همچنین اعمال صلاحیت‌های غیرموجه از عمده علل این عدم توفیق هستند. نتیجه حاصل از این واقعیات وقوع موارد متعدد نقض مفاد این اسناد توسط اعضا است؛ باید اضافه کرد که دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص تروریسم علیرغم ماهیت بین‌المللی آن دارای صلاحیت نیست. همراه شدن وقوع این نقض‌ها با فقدان یک مرجع کیفری قدرتمند و مستقل بین‌المللی برای اعمال ضمانت اجرای مناسب نیز در یک چرخه منجر به وقوع همان دخالت‌ها و اعمال صلاحیت‌ها و برخوردهای سلیقه‌ای

پی‌نوشت

۱- شاه محمدی، محمد، پورمنافی، ابوالفضل، تروریسم و اقدامات قانونی برای مهار آن، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۵.

۲- کرم زاده، سیامک، نگاهی به اقدامات سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم، علوم سیاسی، مجلس و راهبرد، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۳۸.

۳- ساندوز، یاوز، (۱۳۸۲) مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه: حسن سواری، شماره ۲۳، ۱۱۳-۱۳۲.

۴- mandegardaily.com

۵- مرندی محمدرضا، مرادی یوسف، علی‌پور مهناز و خوشروزی بهنام، قوانین بین‌المللی دولت‌ها در مقابله با تروریسم در حقوق بین‌الملل.

استفاده از هواپیمای بدون سرنشین در زمان صلح و با توجه به اصل حاکمیت دولت ها

حاکمیت دولت ها موجب می شود تا هر کشوری قوانین حاکم بر استفاده و بهره برداری از پهپادها را در قلمرو خودش مطابق میل خود تعیین کند. اصل احترام به حاکمیت دولتها در منشور ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است.^۲ پیرو این اصل، استفاده از پهپادها در قلمرو یک کشور، در چارچوب حاکمیت دولت، از جمله اختیارات آن کشور محسوب می شود. برای مثال استفاده از

پهپادها در جهت حفظ نظم و آسایش عموم، حفاظت و حراست از محیط طبیعی یا کنترل مرزها از جمله اختیارات یک دولت است که ریشه در حاکمیت آن دولت دارد.^۳

بنابراین، استفاده از انواع هواپیماهای بدون سرنشین با کارکردهای غیر نظامی در قلمرو هوایی کشور دیگر، منوط به رضایت دولت سرزمینی و دادن اطلاع قبلی به آن است. بدیهی است اعطای مجوز به هواپیماهای بدون سرنشین برای ورود به قلمرو هوایی یک کشور به معنای آزادی عمل این هواپیماها جهت انجام عملیات نظامی نمی باشد، به این دلیل که هر نوع عملیات نظامی توسط یک دولت در قلمرو دولت دیگر در حقوق بین الملل فاقد مشروعیت بوده و بی تردید مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد نقض یک حکم ممنوعه خواهد بود مگر اینکه این قبیل اقدامات با رضایت دولت سرزمینی مربوطه انجام پذیرفته باشد. در واقع مبنای حقوقی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نظامی بر فراز قلمرو هر کشور، جلب رضایت دولت سرزمینی است که در این صورت باید اقدامات هواپیماهای بدون سرنشین در چارچوب ماده ۸ کنوانسیون شیکاگو^۴ صورت گیرد. بی شک حملات هواپیماهای بدون سرنشین آن هم بدون رضایت کشور هدف، نقض حاکمیت آن کشور تلقی می گردد.^۵

فلذا می توان گفت استفاده از پهپاد در زمان جنگ براساس قوانین حقوق بشردوستانه مجاز است اما این اقدام در زمان صلح مجاز نخواهد بود.^۶ و در واقع حمله پهپاد به قلمرو یک کشور آن هم در حالتی که بین آنها حالت صلح وجود دارد، نقض قلمرو هوایی و در نتیجه نقض حاکمیت آن کشور به حساب می آید.^۷ با عنایت به این موارد، از آن جایی که که در زمان ترور سپهبد سلیمانی هیچ گونه مخاصمه ی مسلحانه ای میان دولت های ایران و آمریکا و یا عراق در جریان نبوده است، می توان حمله پهپاد آمریکایی را نقض قلمرو هوایی و در



بررسی وضعیت حقوقی پهپاد آمریکایی در ترور سردار شهید سلیمانی

ساوالان محمدزاده | دانشجوی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری

در نوشتار حاضر پس از بیان مقدمه ای مختصر، ابتدا استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در زمان صلح و با توجه به اصل حاکمیت دولتها را مورد بررسی قرار داده و سپس بکارگیری آنها از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه حاکم بر توسل اولیه به زور و همچنین حقوق بشردوستانه را مورد مذاقه قرار می دهیم و در اثنای همین مطالب نیز حمله پهپاد ایالات متحده آمریکا علیه کاروان سردار شهید سلیمانی را مورد تطبیق قرار خواهیم داد تا حدالامکان جوانب حقوقی آن از این نظر روشن گردد

مقدمه

هنگامی که سخن از پهپاد یا هواپیمای بدون سرنشین می شود؛ مراد هواپیمایی است که یا از راه دور و توسط نیروی انسانی کنترل میگردد و یا طبق برنامه ای که از قبل در سیستم آنها وارد شده است عمل می نماید. برخی از کشورها اقدام به آرایه ی تعاریفی از هواپیماهای بدون سرنشین نموده اند اما با این حال یک تعریف بین المللی از این نوع هواپیماها در دست نمی باشد. کارکرد نظامی هواپیماهای بدون سرنشین از حوادث یاردهم سپتامبر و شروع آنچه در گفتمان مقامات آمریکایی «تبرد علیه تروریسم» خوانده می شود آغاز شده است! امروزه روشن است که استفاده از پهپاد های نظامی به دلایل سیاسی و نظامی باید از نظر حقوق بین الملل ارزیابی شود. به طور خاص، می توان گفت که استفاده از پهپادها از نظر حاکمیت و برابری کشورها، استفاده از زور و عملکرد قوانین بشردوستانه تأثیر متقنی دارد.

چنین موضوعی ارائه نکرده اند.^{۱۴} در قضیه سردار شهید سلیمانی و در ارتباط با استثنای «درخواست و یا رضایت دولت دیگر» نیز موافقتنامه ۲۰۰۸ منعقد میان ایالات متحده آمریکا و عراق حائز اهمیت است. اگرچه فعالیت آمریکا در خاک عراق بر اساس موافقتنامه دوجانبه است، اما این موافقتنامه به واشنگتن اجازه نمی دهد آزادانه به مقامات کشورهای دیگر در خاک عراق حمله کند. موافقتنامه دارای مقررات مهمی است؛ فی المثل بر اساس ماده ۴ این موافقتنامه، تمام عملیات های نظامی که آمریکا انجام می دهد باید با توافق دولت عراق باشد و بند دوم این ماده در ادامه اضافه می کند که چنین عملیات هایی باید پس از هماهنگی کامل با مقامات عراقی انجام شود.^{۱۵} همچنین ماده ۲۷ موافقتنامه به صراحت اعلام می کند که حمله به هرشکلی از طریق حوزه صلاحیت عراق به کشورهای ثالث ممنوع است و این دقیقا مخالف اقدامی است که ایالات متحده در ترور شهید سلیمانی در ۳ ژانویه انجام داد.^{۱۶}

حقوق بشر دوستانه و ارتباط آن با کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین نظامی

اگر در یک مخاصمه مسلحانه حمله ای از جانب هواپیماهای جنگی متعارف صورت پذیرد، قانونی بوده و تابع کنوانسیون های چهارگانه ژنو خواهد بود. بنابر این به نظر می رسد میتوان حمله هواپیمای بدون سرنشین مسلح در خلال یک مخاصمه مسلحانه را نیز تابع این قوانین دانست.^{۱۹} برای ارزیابی قانونی بودن استفاده از سلاح ها باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه مراجعه کرد. بدیهی است هر گاه دولتهای متخاصم طرف معاهده حاوی منع کاربرد سلاح مورد نظر باشند، باید به معاهده و در غیر این صورت، به حقوق بین الملل عرفی رجوع شود. در صورتی که این منبع حقوق بین الملل فاقد قاعده ای در مورد ممنوعیت استفاده از سلاح باشد، به اصول اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه مراجعه خواهد شد.^{۲۰} بمباران هوایی از طریق پهپادها یک شیوه نوین جنگی محسوب می شود که ممکن است کنترل آن از هزاران مایل دورتر صورت پذیرد.^{۲۱} برخی از مخالفان استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مدعی اند که این پرنده ها ذاتا به صورت کورکورانه عمل می کنند^{۲۲} و در نتیجه استفاده از این نوع سلاح ها از منظر حقوق بشردوستانه ممنوع می باشد. اما با بررسی انواع سلاح هایی که تا کنون به عنوان سلاح کورکورانه شناخته شده اند می توان اذعان نمود که هواپیماهای بدون سرنشین ذاتا در زمره ی اینگونه سلاح ها قرار نمی گیرند. آقای فیلیپ آلستون، که گزارشگر ویژه سازمان ملل می باشند نیز چنین نظری را تایید می نمایند؛ از نظر وی، پرنده های بدون سرنشین در این رابطه چالش حقوقی خاصی را ایجاد نمی کنند و مسئله مهم در این خصوص بررسی موردی موضوع با در نظر

نتیجه نقض حاکمیت دولت عراق به حساب آورد. مقامات عراقی نیز در این راستا اعتراض خود نسبت به نقض حاکمیتشان را ابراز داشتند.

هواپیماهای بدون سرنشین و حقوق مخاصمات حاکم بر توسل اولیه به زور

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد توسل به زور را منع می کند. البته منع تهدید به زور یا اعمال آن استثنائاتی دارد، من جمله: فصل هفت منشور (اقدامات اجرایی دسته جمعی)، ماده ۵۱ منشور (دفاع مشروع)، ماده ۵۳ منشور (اقدامات اجرایی توسط سازمان های منطقه ای) و دیگر مقررات دسته جمعی (مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ منشور که تاکنون منسوخ شده است)^{۲۳} و همچنین اینکه یک دولت می تواند به درخواست دولت دیگر به اعمال زور در قلمرو آن دولت بپردازد و یا ممکن است یک دولت به انجام عملیات دفاعی در سرزمینش با دولت خارجی رضایت دهد.^{۲۴} که مثال بارز این مدعا، عملیات های نظامی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در مقابله با گروهک تروریستی داعش بود که با درخواست و رضایت دولت عراق و در خاک دولت عراق انجام گرفت. بنابراین، کاربرد زور جز در موارد استثنایی که حقوق بین الملل معاصر آن را پذیرفته، منع شده است.^{۲۵}

در نتیجه، برای جلوه قانونی بخشیدن به زور توسط دولت ها از طریق استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بایستی اقدامات آن ها را در قالب استثنائات فوق الذکر بررسی نمود. در این بین و در ارتباط با حملات پهپادی ایالات متحده آمریکا در موارد مختلف علی الخصوص پیرامون قضیه کاروان سردار شهید سلیمانی، دو استثنای «دفاع مشروع» و «درخواست و یا رضایت دولت دیگر» قابل بررسی بوده و سایر استثنائات از بحث مورد نظر ما خارج می باشند. پیرامون دفاع مشروع و شرایط آن در این مطلب تنها به یکی از شرایط اصلی آن اشاره می گردد و آن اینکه: «تنها اگر یک حمله مسلحانه رخ دهد، و نه در هیچ شرایط دیگر، می توان به دفاع مشروع متوسل شد.»^{۲۶} دیوان بین المللی دادگستری نیز در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا به این امر تاکید کرده است که: «اعمال حق دفاع از خود منوط به آن است که دولت مدعی حق، قربانی یک حمله ی مسلحانه بوده باشد.»^{۲۷} این در حالی است که آمریکا در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین حتی در مواردی که مخاصمه مسلحانه با کشور دیگر متصور نمی باشد نیز اقدامات خود را بر مبنای دفاع مشروع توجیه می کند.^{۲۸} در خصوص اقدام هواپیمای بدون سرنشین آمریکا علیه کاروان سردار شهید سلیمانی نیز همین موضوع صدق می کند؛ بدین علت که مسلما آمریکا قربانی حمله مسلحانه ای که مستقیما یا تحت کنترل ایران واقع شده باشد، نبوده است و مقامات رسمی آمریکا هرگز دلیل و مدرکی دال بر

به نظر می رسد که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین الملل بشردوستانه ذاتا ممنوعیتی ندارد و این امر بیشتر بستگی به نوع سلاح ها و شرایط پیرامون عملیات آن ها دارد فلذا باید بصورت موردی و طبق اوضاع و احوال و شرایط عملیات مشروعیت استفاده از آنها را بررسی نمود. بنابراین در خصوص قضیه سردار شهید سلیمانی نیز صواب آن است که به همین نحو عمل کرد، بدین صورت که میزان رعایت اصول حقوق بشردوستانه فوق توسط هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده را مورد مذاقه قرار داده و به این سوال پاسخ داد که آیا در این مورد هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده آمریکا قابلیت رعایت اصول فوق را داشته است یا خیر؟ اما نکته قابل توجه اینجاست که طبق بررسی های اکثر محقق و همانطور که سابقا نیز اشاره گردید، می توان گفت هیچگونه مخاصمه ای مابین ایران و آمریکا و نیز دولت عراق وجود نداشته است و از آنجایی که حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمات قابل اعمال می باشد، لذا در کل نمی توان سخن از حقوق بشردوستانه و نقض یا رعایت آن به میان آورد و بنابراین در مورد سردار شهید سلیمانی، وضعیت پهباد ایالات متحده آمریکا را می بایست خارج از چهارچوب نظام حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه مورد بحث قرار داد.

پی نوشت

۱. علی مختاری، جایگاه نبرد با تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده (۲۰۰۷-۲۰۰۰)، فصلنامه راهبردش، ۱۲۸۷، ص ۴۸۱
۲. پرویز ذوالعین، مبای حقوق بین الملل عمومی، چاپ هفتم، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۷.
۳. سید محمد حسینی و دیگران، تأملی بر وضعیت حقوقی به کارگیری پهباد علیه تروریسم، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۹۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، ص ۲۹۲.
۴. ماده (۸) کنوانسیون شیکاگو مقرمی دارد: «هیچ هواپیمای بدون خلبانی نمی تواند بدون کسب مجوز از یک دولت متعاهد کنوانسیون بر فراز قلمرو آن به پرواز درآید و می بایست که این پرواز با رعایت شرایط مندرج در آن مجوز صورت گیرد».
۵. فرهاد، طلایی و احسان، زرنکار، پویایی قواعد حقوق بین الملل و امکان سنجی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، مجلس و راهبرد، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۶، صص ۴۳-۴۴.
۶. سید محمد حسینی و دیگران، همان، ص ۲۹۴.
۷. جمشید ممتاز و فریده، شایگان، حقوق بین الملل بشردوستانه در برابر جالش های مخاصمات مسلحانه در عصر حاضر، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳، ص ۱.
۸. سید محمد حسینی و دیگران، پیشین، ص ۲۹۵.
۹. اعظم، امینی، وحید بذار، امکان سنجی بنگیری قضایی ترور سردار سلیمانی در دیوان کفتری بین المللی و دیوان بین المللی دادگستری، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۲.
۱۰. انتونو کالسه، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، حقوق بین الملل، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۹۹.
۱۱. Vincent, Bataoed. (2011). "On the Use of Drones in Military Operations in Libya: Ethical, Legal and Social Issues". *Synesis*, 1(1), 1-10. <http://www.jstet.org/vol11no1/11p1.pdf>.
۱۲. Rebecca M.M. Wallace, *International Law*, London, Sweet & Maxwell, Fifth Edition . 2005, p. 212.
۱۳. ملک شاور، ترجمه محمد حسین وقار، حقوق بین الملل، چاپ سوم، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۹، ص ۴۱۳.
۱۴. Military and Para-military case, Nicaragua v. United States, [icj] Reports . 1986, p. 101 و 102, paras. 195 & 191.
۱۵. Mary Ellen O'Connell, "Drones under International Law", *Denver Journal of Law and Policy*, 39(2), 2010, p. 3.
۱۶. مصطفی فضالی، ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۶۹.
۱۷. جواد، منتظران، سید اصغر، جعفری، ترور شهید سید سلیمانی از منظر قواعد حقوق بین الملل و حقوق بشردوستانه (با تأکید بر رسالت رسله های پرون مرزی)، پژوهشنامه رسانه بین الملل، سال پنجم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۷-۲۴.
۱۸. سیامک، کریم زاده، عبدالله، عابدینی، ابعاد حقوقی به شهادت رساندن شهید قاسم سلیمانی توسط ایالات متحده در عراق، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، ص ۲۲۸.
۱۹. رضاهادی، نظام حقوقی بین المللی حاکم بر کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تابستان ۱۳۹۵، ص ۴۶.
۲۰. جمشید ممتاز و فریده شایگان، پیشین، ص ۱۰۰.
۲۱. Stuar, Casey-Maslen. (2012). "Pandora's box: Drone strikes under jus ad bellum, jus in bello, and international human rights law". *International Review of the Red Cross*, Vol 94, N 886, p. 600.
۲۲. هادی، آجیلی و دیگران، بررسی جایگاه پهباد در حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۸، ص ۲۶.
۲۳. Mary Ellen O'Connell, *supra* note . 22, para. 79.
۲۴. S. Mary Ellen O'Connell, *op cit* . p. 24.
۲۵. سید محمد حسینی و دیگران، پیشین، ص ۳۰۲.
۲۶. Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University. 2012, p. 100.
۲۷. Michael W. Lewis. (2012). *Drones and the Boundaries of the Battlefield*, Texas International Law Journal, Volume 47, Issue 2, p. 295.
۲۸. War against terrorism . 28.
۲۹. Death from the Sky: International Legal and Practical Issues on the Use of Armed Drones. In *Drones*, (2016) M., De Groof. 299 and Unmanned Aerial Systems, Springer International Publishing .p 178.
۳۰. Drones and Unmanned Aerial Systems: Legal and Social Implications for Security and Surveil-. (2016) A. (Ed.), Završnik . 20. 11. lancep
۳۱. Ibid. p. (2016) M., De Groof. 30.

داشتن مجموعه اوضاع و احوال و شرایط حاکم در زمان حمله است.^{۲۳} به طور کلی کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه مانند هر گونه سیستم پرتاب دیگری در میدان نبرد قانونی است. با این حال مهم نوع سلاحهایی است که این هواپیماها حمل می کنند. در واقع، برخی از موشکها و بمب هایی که به وسیله این ابزارها حمل می شوند، از انواع سلاح های مجاز نیستند. توسل به نیروی مرگ آور و کشنده و کاربرد چنین سلاح هایی با قدرت آتش سنگین، در قالب اجرای حقوق مخاصمات و از طریق حقوق بشردوستانه بسیار محدود شده است. به ویژه، محدودیت سلب خودسرانه حیات، توسل یک دولت را در اعمال نیروی مرگ آور تحت قاعده در می آورد.^{۲۴} لذا در صورتی که مهمات پرتاب شده از این پهپادها شامل تسلیحات ممنوعه مصرح شده در حقوق بین الملل همانند تسلیحات شیمیایی، تسلیحات بیولوژیکی، تسلیحات لیزری و ... باشد، استفاده از پهپاد در مخاصمه جایز نیست.^{۲۵} به باور برخی، مقررات ناظر بر استفاده از پهپادها در مخاصمات مسلحانه همان مقررات ناظر بر هواپیماهای جنگی است.^{۲۶} اما این عقیده، به معنای چالش های یکسان هواپیمای جنگی و پهپادها نیست.^{۲۷} ایالات متحده بر این عقیده است که چون «جنگ علیه تروریسم»^{۲۸} است، استفاده از پهپادهای مسلح را قابل توجیه میدانند که البته توسط بسیاری از کارشناسان حقوق بین الملل این استدلال رد شده است.^{۲۹} باید به این نکته نیز توجه نمود که هواپیماهای بدون سرنشین می توانند اصول حقوق بشردوستانه بین الملل را برآورده ساخته و همیشه مورد سوء استفاده قرار نمی گیرند.^{۳۰} ضمن اینکه پهپاد به معنای دقیق کلمه یک سلاح نیست بلکه در درجه اول یک سیستم انتقال سلاح است، از این رو پهپادها در ذات خود یک تهدید برای نقض قوانین بین المللی همچون حقوق بشردوستانه بین الملل نیستند بلکه سوء استفاده و به عبارتی استفاده نادرست از این فناوری نوین شرایط غیر قانونی خواندن استفاده از آن را فراهم می کند. پهپاد یک سیستم سلاح های غیر قانونی نیست بلکه از دید برخی محققان پهپادها کاملاً قادر به پاسخگویی به خواسته های اصول حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین الملل همچون اصول ضرورت، تمایز، تناسب، احتیاط و منع رنج بیهوده می باشند.^{۳۱}



نیستیم. آنجا که هدف وسیله شان را توجیه میکند، سر بردن برایشان می‌شود جهاد، خانمان‌سوزی همان سرزمین سازی است و خونخواری عشای ربانی.

تجسم خشونت صهیون‌ها که سابق بر این منحصر در جنگ طلبی و کشتار بود و کماکان ادامه یافته امروز به نخبه‌کشی فعالان حوزه انرژی اتمی و صنایع هسته‌ای و ساخت موشک نیز سرایت کرده است. اینجاست که می‌گویند «لاتبديل لخلق الله». عبارت پیش‌گفته اعتقاد به جبر ژنتیکی نیست بلکه حاصل سال‌ها درون‌ریزی

عقده و انباشت نفرت از دیگر ملل است که با تلاش تئورسین های آنها به دست آمده است. سردمدارن طرح‌ریزی مزبور رهبران جنبش صهیونیست و امثال هرتزل‌ها (۴) بودند و جنایات امروز پیگیری رهنمودهای شخص تئودور هرتزل توسط دولت حال حاضر صهیون است. البته جای انصاف نیست که سر کمان به سوی هرتزل باشد، خود او به راستی خلف صدق کاهن اعظم الکساندر نیای و خاخام آرون لوی است که پیش از او محور القای اندیشه خشونت بودند. هر چند اسرائیل آدم‌کشی و نقض حقوق بشر را سر لوحه تدابیرش قرار داده است اما همواره از ترسیم چهره ستم دیده از خود هم غافل نبوده است.

«این رژیم با شیوه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای مختلف تلاش کرده است از یهودیان تصویر ملتی را به نمایش بگذارد که تحت شکنجه و ستم واقع و حقوقشان نقض شده است و بزرگ ترین قربانی نازیسم هستند اما این چهره خیلی زود پس از آنکه قربانی خود به جلاد تبدیل شد، تغییر کرد و این حقیقتی است که افکار عمومی جهان اندکاندک و پس از طرح وقایعی مربوط به نمونه‌هایی از شکنجه‌ها و خشونت‌های برنامه‌ریزی شده این رژیم آن را درک کرده است.» (۵)

● گریز ●

صحبت از آلمان نازی شد و کوره‌های آدم‌سوزی و اردوگاه‌های کار اجباری یهودیان و دیگر اقلیت‌های هم‌قطارشان، به خاطر مرسید و صد البته نمایش مظلومیت دلفریب و اشک بار یهود در فیلم سینمایی «فهرست شیندلر» (۶). هالیوود به دنبال سیاست گذاری سلاطین پشت‌پرده یهودی اش، شاید هم برای زنده نگه داشتن نام مرحوم آسکار شیندلر، خیر کارخانه دار،



اسرائیل، چاقویی که دست‌هاش را می‌برد

ابوالفضل محمدزاده دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

من تصویر غریبی از آینده‌ی توافق و دوستی با اسرائیل می‌بینم. عاقبتی که صحرایی است تا خط افق کشیده پر شده از جسد اعراب، آنچنان که هر بیننده‌ای را متحیر کند. شاید پوریم دیگری در راه است و اینبار نسخه عربی اش. اما تا آن زمان «پیش، تماشااییان دست به دستند/ تیغ فرو برده در مفاصل خونشان» (۱)

در ادامه اما مطالب طی سه بخش مطرح میشوند: خشونت اسرائیل از کجا آمده است؟ این خصوصیت اخلاقی آنها در سیاست‌گذاریشان چه تاثیری دارد و در پایان تحلیل مختصر روابط آنها با اعراب در سال گذشته میلادی.

● ریشه‌های خشونت (بسوزان تا بسازی) ●

انگار به دنیا که می‌آیند یک واکسن آنتی عواطف به آنها تزریق می‌کنند تا در برابر شر هر عاطفه‌ای در امان باشند. خشونت یک پایه از چهار پایه عقاید این رژیم است. پیشینه تفکر خشونت یا خشونت فکری را باید در گذشته‌های دور این جماعت یهودی، آوارگی دائمی، بی‌پناهی و جنگ‌های بی‌شمارشان دانست و سرچشمه اینها همه در سه کلمه از لیون بن‌سکر، یکی از رهبران جنبش صهیونیسم، نهفته است: «ملت برگزیده خدا». آنچه آنها را از دیگر ملت‌ها متمایز می‌کند.

او می‌گوید: «در طول تاریخ و از قرن‌ها پیش یهودیان و یهودی‌ستیزی دوشادوش یکدیگر حرکت کرده‌اند. یهودیان به علت کینه ابدی نسبت به بشریت ملت برگزیده خدا هستند.» (۲)

افراطیون «شوونیست» (۳) می‌گویند هدف وسیله را توجیه می‌کند و تا به آلمان نرسم، از هیچ کاری فروگذار

اما دولت ترامپ چه ارتباطی با اعمال تروریستی اسرائیل دارد؟ روزنامه نویسن نیویورک تایمز می‌گوید: «مشخص نیست آمریکا تا چه اندازه پیش از انجام این عملیات از آن مطلع بوده است اما آمریکا و اسرائیل دو متحد نزدیک بوده و پیشینه طولانی در به اشتراک گذاشتن اطلاعات درباره ایران دارند.» (۱۴)

در حالی که اقدامات دولتمردان رژیم صهیونیستی روشن تر از روز، بند های ۳ و ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر را نقض میکند، (۱۵) از آن سو دست دوستی به سوی اعراب ساده لوح دراز کرده است و شعار صلح پایدار سر میدهد.

انتقاد به اعراب از حیث برقراری روابط دوستانه با اسرائیل (= که در شوره زاران نشانده درخت؟)

به طور کلی روابط اسرائیل و کشورهای عربی را می‌توان به چهار دوره زمانی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: «۱-مقابله نظامی با رژیم صهیونیستی و حمایت کامل از آرمان فلسطین و آزادسازی آن (از ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸) ۲- پذیرش رژیم صهیونیستی به عنوان واقعیتی در منطقه و آغاز ارتباط اعراب با اسرائیل، در کنار حمایت از تشکیل کشور کوچک فلسطینی (از ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۱) ۳- همگرایی بیش از پیش اعراب و رژیم صهیونیستی و ایجاد روابط غیر رسمی (دفاکتو) با تل آویو (از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰) ۴- شکل گیری دومینویی از علنی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی و شناسایی اسرائیل به صورت رسمی (دوژور) از ۲۰۲۰ به این سو» (۱۶)

● گریز ●

مولانا در کتاب فیه ما فیه می‌گوید: «اگر هزار دزد بیرونی بیایند در را نتوانند باز کردن تا از اندرون دزدی یار ایشان نباشد که از اندرون باز کنند.» امروز آن دزد درونی امارات است. اردن است. هر کشور مسلمانی است که پیمان مودت با صهیونیست ببندد. چه اسرائیل همان دزد بیرونی است که آمده است ما را غارت کرده و عزتمان را لکه‌دار کند. هرچه نباشد آنها خاطره نسل کشی دوران استر را که روایتش در عهد قدیم آمده است، بعد از ۲۶ قرن همچنان جشن می‌گیرند. (۱۷) ای مسلمانان! هر جور چشم‌ها را بشوید، جور دیگر نمی‌توان دید!

اصولا برای فهم بهتر مقصود برقراری رابطه آشکارا با اسرائیل از سوی سران عرب کشورهای حاشیه خلیج فارس همچون امارات و بحرین و کشورهای شمال آفریقا یعنی مصر و سودان و مغرب بایستی آنها را مبتنی بر اهدافشان به سه دسته تقسیم کرد: اول کشورهایی که سیاست موازنه مثبت را در مذاکراتشان میزان قرار میدهند از قبیل مراکش که همزمان با توافق آنها با اسرائیل در روز پنجشنبه دهم دسامبر ۲۰۲۰، آمریکا حاکمیت مراکش را بر صحرای غربی به رسمیت شناخت. شایان ذکر است حاکمیت مراکش بر ۳۰ درصد از صحرای مذکور متزلزل است. همچنین تعاملات میان اسرائیل و مراکش پیش از این هم به شکل دوفاکتو برقرار بوده است. دوم کشورهایی که همچنان دوره دوم روابط اعراب با اسرائیل را دنبال می‌کنند مانند امارات که به ظاهر معتقد است با ایجاد رابطه دوستانه با اسرائیل، آنها از پروژه شهرک سازی در مناطق اشغالی دست خواهند کشید و امیدوارند که بخشی از بیت المقدس در اختیار فلسطینیان قرار بگیرد. (۱۸) این یعنی همان سیاست نه سیخ

سال ۱۹۹۳ میلادی این فیلم را روانه سینمای جهان کرد. فیلم در واقع ثمره دروغ‌هایی است که یهود در وصف مظلومیتش هر روز به خورد مردم می‌دهد. از قضا خودش در نهایت آن‌ها را باور کرد. دروغگو حتی اگر گوبلز، وزیر مطبوعات هیتلر و مبدع نظریه دروغ بزرگ، باشد؛ دستش رو میشود. این را آنجا فهمیدم که ساشا بارون کوهن (۷) در یکی از مصاحبه های پیش از افتتاحیه فیلم «دیکتاتور» (۸) خطاب به مجری شو که از او پرسید: «اگر در منزل با خانمتان جلوی تلویزیون نشسته باشید و بخواهید یک فیلم تماشا کنید، انتخابات چيست؟ او گفت: «احتمالا یک فیلم علمی-تخیلی مثل فهرست شیندلر!»

● سیاست تروریستی اسرائیل برای نیل به صلح ●

همانطور که پیش از این آمد اسرائیل ملت خشونت طلبی است و این ماحصل: الف- تربیت نسل جدید و ب- فرهنگ سازی نسل پیشین برای جا انداختن سلطه جویی همراه با خشونت آمیز در طبع مردم بود. پس جای تعجب نیست که سیاست خارجی آنها متأثر این جریان، دایرمدار کشتار غیرنظامیان به قصد شهرک سازی و ترور شخصیت‌های موثر علمی باشد. تروریسم اسرائیل دفعتا واحده حادث نشده بلکه با ترور دانشمندان هسته‌ای مصر سمیره موسی از سال ۱۹۵۲ آغاز شد (۴ سال بعد از تاسیس رژیم صهیونیستی) و در دهه ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ تا کنون ادامه یافته است. (۹) با وجود این، مسئولیت ترورها را به ندرت پذیرفته شده است، حتی موضع آنها در قبال ترور دانشمندان هسته‌ای ایران سکوت است. به قول دکتر منافزاده، پژوهشگر تاریخ و علوم اجتماعی ساکن پاریس و منتقد نظام جمهوری اسلامی ایران: «..(اسرائیلی‌ها) حتی از خود رفع تهمت نیز نکرده اند» (۱۰) در همین سیر دفتر آقای نتانیاهاو که دو سال پیش از این، از شهید دانشمند محسن فخری زاده به عنوان مهره کلیدی که باید نام او را به خاطر بسپارید نام برده بود (۱۱)، پس از ترور شهید فخری زاده در عصر جمعه ۱۳۹۹/۹/۷، چون کبک سر در برف کنان و از پاسخ گریزان، از اظهار نظر راجع به ترور مزبور خودداری کرد. در این اوضاع اما توثیت نخست وزیر اسرائیل خواندنی است: «شهروندان اسرائیل، شنبه خوبی را برای شما آرزو میکنم». وبسایت خبری اینتل تایمز نیز به نقل از نتانیاهاو می نویسد: «دوست دارم فهرستی از کارهایی که این هفته کردم با شما در میان بگذارم؛ فهرست مفصلی هم هست است، اما نمی‌توانم همه چیز را برای شما فاش کنم.» (۱۲)

اینکه اسرائیل در این ترور دست داشته است، جدای از توثیت‌ای قدیمی یوسی ملمن، خبرنگار صهیونیست، راجع به برنامه ریزی بلند مدت موساد برای هدف قرار دادن شهید فخری زاده و صحبت های دو پهلو نتانیاهاو یا هشدار دو سال قبلش یا واکنش ترامپ، مفروض است اما آنکه هدف از این ترورها چیست سوالی است که باید سرنخش را در صحبت های فرزین ندیمی، کارشناس امور نظامی برنامه دیدگاه ایران اینترنشنال پی گرفت: «آیا تا ۱۴ ژانویه که ترامپ دولت را به بایدن تحویل می‌دهد ممکن است ایران حوادث مشابهی را تجربه کند؟ ... (بله) احتمال ادامه ترور ها تا آن موقع بسیار بالا است...» (۱۳)

سخن آخر

در این کارزار که ویروس کرونا جهان را در نوردیده است و ویروسی به مراتب مرگبارتر از دل خاورمیانه سر بر آورده است که تاثیر آن کم از ویروس نخست نیست. به نظر شما قدم بعدی اسرائیل بعد از عادی سازی روابط با کشورهای عربی در حوزه سیاست منطقه چیست؟

بسوزد نه کباب از شیوخ نادان آل نهیان. رهبر انقلاب (حفظه الله) در پی این توافق فرمود: «امارات متحده عربی هم به دنیای اسلام، هم به ملت‌های عرب و کشورهای منطقه و هم به فلسطین خیانت کرد، البته این خیانت دیری نخواهد پایید اما این لکه ننگ بر آنها خواهد ماند.» (۱۹) سوم کشورهای که از مقابله با اسرائیل و شکست و کشمکش‌های طولانی خسته شدند و چاره‌ای جز صلح ندیدند مثل مصر که پس از توافق با اسرائیل به دنبال پیمان کمپ دبیوید، از اتحادیه کشورهای عرب حذف شد.

نکته قابل توجه اینکه لبنان بر سر مرزهایش با تل آویو وارد گفتگو شده است. حتی علیرضا نوری زاده، مدیر مرکز پژوهش‌های ایران و اعراب، از این اقدام لبنان اظهار تعجب میکند و میگوید: «هم اکنون لبنانی‌ها با اسرائیل وارد گفتگو شده‌اند، سر فلات قاره، سر تعیین حدود دریایی‌شان و اینها خودش یک گام عجیب است که از لبنان در چنگ حزب الله آدم باور نمی‌کرد، انتظار نداشت...» (۲۰)

پی نوشت

۱- رجبعلیزاده کاشانی، علیرضا: عید در تبعید (تهران: سوره مهر، مهر ۱۳۹۹)، ص ۹۲.

۲- ادیب مرتضی، احسان: تروریسم صهیونیستی (تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، بهار ۱۳۸۸)، ص ۲۷.

۳- یک نوع میهن پرستی افراطی و ستیزه‌جو

۴- روزنامه نگار و بنیان گذار جنبش صهیونیسم

۵- ادیب مرتضی، احسان: همان، ص ۱۴۷.

۶- Schindler's List

این فیلم بر اساس رمان داستانی «کشتی شیندلر» ساخته توماس کنالی، داستان نویس استرالیایی ساخته شد. فیلم روایتگر داستان اسکار شیندلر، تاجر و صنعتگر آلمانی است که در طول جنگ جهانی دوم و سلطه نازی‌ها، جان هزاران یهودی را با بیرون آوردن از اردوگاه‌های کار اجباری و استخدام در کارخانه‌اش، نجات می‌دهد.

۷- بازیگر یهودی هالیوود

۸- The dictator

فیلمی در ژانر کمدی-سیاسی که داستان علاءالدین پادشاه کشور خیالی وادیا را روایت میکند. ساشا بارون کوهن نقش علاءالدین را ایفا می‌کند.

۹- جامعه خبری تحلیلی الف، ماشین ترور موساد و حذف دانشمندان هسته ای عرب، ۵ آذر ۱۳۹۹

<https://www.alef.ir/news>

۱۰- پادکست تاریخ تازه ها اسرائیلی ها متهم اصلی چه ترو هایی در زمینه برنامه هسته ای ایران هستند؟

<https://podcasts.google.com>

۱۱- ۲۷ November ۲۰۲۰, BBC NEWS, Mohsen Fakhrizadeh, Iran's top nuclear scientist, assassinated near Tehran

www.bbc.com/news/amp/world-middle-east ۵۵۱۰۵۹۳۴

۱۲- پایگاه خبری-تحلیلی فارو

<https://fararu.com/fa/news> /۴۶۴۰۴۸

۱۳- پادکست دیدگاه (ایران اینترنشنال): انگیزه‌های ترور محسن فخری زاده-گفتگو با فرزین ندیمی

<https://podcasts.google.com>

۱۴- پایگاه خبری گسترش نیوز، نیویورک تایمز: اسرائیل پشت ترور فخری زاده بوده است، ۸ آذر ۱۳۹۹

<https://www.gostaresh.news>

۱۵- اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۳: هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ۳۰: هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیتی بنماید.

۱۶. مقومی، امیررضا: پشت پرده دومینوی عادی سازی روابط با اسرائیل (شماره اول ماهنامه خط بهشتی، مهر ۱۳۹۹)، ص ۹.

۱۷- باشگاه خبرنگاران جوان، جشن «پوریم» چیست و از کجا ریشه می‌گیرد؟، ۲۰ فروردین ۱۳۹۹

www.yjc.ir/fa/amp/news ۷۳۰۹۲۳۹

۱۸- پادکست چشم انداز روز-تورج اتابکی: «عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عرب و مسلمان خواب را در چشم حاکمان جمهوری اسلامی ایران می‌شکند.»

<https://podcasts.google.com>

۱۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، رهبر انقلاب: امارات متحده عربی به دنیای اسلام خیانت کرد، ۱۱ شهریور ۱۳۹۹

www.irna.ir/amp ۸۴۰۲۳۶۴۴

۲۰- پادکست تفسیر خبر جمعه ۲۱ آذر-علیرضا نوری زاده

<https://podcasts.google.com>



اسرائیل، تبار ترور و مجری ترور هدفمند در جهان

مرتضی بابایی فر | دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت نظارت و بازرسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

در درون دولت‌ها جانمایی کرده است. موساد، شاخه‌های متفاوتی دارد که ما فقط به گروه‌های اصلی و تاثیرگذار آن اشاره می‌کنیم؛

- آمان: مدیریت سازمان اطلاعات نظامی
- شین‌بات: مدیریت سازمان امنیت عمومی
- شاپاک: مدیریت مرکز مطالعات راهبردی
- متساوا: بخش عملیات ویژه (گروه ترور)

اصولا متساوا، بخشی است که از سایر ارکان ماشین امنیت و اطلاعات اسرائیل، گمنام‌تر و صد البته پیچیده‌تر است.

متساوا در بسیاری از عملیات‌های ترور و ربایش افراد مورد نظر خود، شرکت داشته و از نظر ضریب پیروزی، دارای نمره‌ی بالایی در سیستم اطلاعاتی دنیا می‌باشد. مثال عینی این مدعا، ربودن آدولف آیشمن، افسر ارشد نیروی اس اس و مغز متفکر پاکسازی یهودیان در جنگ جهانی دوم می‌باشد. موساد، آیشمن را در آرژانتین ربود. این سازمان، عملیات‌های موفق زیادی در سطح جهان داشته است. از جمله نخستین عملیات موفق این سازمان نیز مربوط به ربایش آدولف آیشمن بود. او سربازی بسیار منظم و مطیع در ارتش فرماندهان هیتلر بود. اما همانقدر که فردی مطیع و فرمانبردار بود، همانقدر نیز کند ذهن و ساده‌لوح نمایان می‌کرد. او پس از فروپاشی حکومت هیتلر، از آلمان گریخت و با نامی مستعار، سالیان سال در آرژانتین زندگی می‌کرد و موساد، رد او را با نفوذ به دستگاه‌های امنیتی آرژانتین به دست آورد. حتی آیشمن آنقدر منظم بود که در ساعتی خاص، هر روز رفت و آمد می‌کرد. در انتها، آیشمن را تحت پوشش خدمه پرواز هواپیمایی ملی اسرائیل موسوم به ال ال، به اورشلیم برگرداندند و طی محاکمه‌ای، او را به اتهام کشتار یهودیان به اعدام محکوم کردند. هانا آرنه در بخشی از کتاب خود به نام آیشمن در اورشلیم می‌گوید: «بن گوریون، صحنه‌گردان اصلی و نامرئی دادگاه آیشمن بود و قضات نقشی نداشتند. آرنه در جایی دیگر می‌گوید: «موضوع دادگاه، اعمال آیشمن بود که بیشتر شبیه یک غرض‌ورزی شخصی است؛ نه مصائب یهودیان؛ نه مردم آلمان یا کل بشریت؛ و نه حتی افتخار نژادی.»

اما ما در اینجا بحثمان چیز دیگری است. نه به جنگ‌های رخ داده کاری داریم و نه به سخنان سیاستمداران. ما در اینجا به این خواهیم پرداخت که ترورهای هدفمند، که همچون تحریم هدفمند مخترع آن آمریکا بود، کی و چگونه به وجود آمدند؟ اسرائیل پیش از ترور دانشمندان هسته‌ای ملل مختلف، ابتدا

اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس) در طی زیست ۷۰ ساله خود همیشه با همسایگان مسلمان و عمدتاً عرب خود درگیر بوده است و تا پیش از انعقاد قرارداد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل این جنگ با شدت بسیار ادامه داشت. اما جنگ اسرائیل با دشمنان مسیحی و مسلمانش همیشه جنگی مسلحانه و تن به تن نبود. این حکومت از سال ۱۹۴۹ آموخت که باید ارتشی نامرئی و هولناک داشته باشد. تصمیم بر آن شد که سازمانی امنیتی-اطلاعاتی مامور حفاظت از کیان و آرمان‌های ملت یهود شود.

یکم آوریل ۱۹۵۱ بن گوریون، نخست وزیر و بنیانگذار دولت اسرائیل، دستور تشکیل سازمان موساد را صادر کرد. بن گوریون تفکری سوسیال داشت و خدا ناباور بود. گوریون که فردی بسیار باهوش و نکته سنج بود، اشتیاقی وصف‌ناپذیر به علم‌آموزی و ادبیات داشت. هیچگاه مترجمی به همراه خود نداشت.

او به ۵ زبان (عبری، آلمانی، روسی، فرانسوی و انگلیسی) تسلط کامل داشت و ۳ زبان یونانی، اسپانیایی و عربی را بلد بود. گوریون علت تشکیل موساد را اینگونه عنوان می‌کند: «برای کشور ما که از ازل در خطر تجاوز دشمنان قرار داشته، کسب اطلاعات به عنوان سنگر اصلی دفاع ضروری است و من می‌گویم باید بدانیم و بیاموزیم که در اطرافمان چه می‌گذرد.»

تفکر اینکه موساد از ۱۹۵۱ به فعالیت پرداخته، تفکری اشتباه و آدرسی غلط برای افکار عموم می‌باشد. موساد، پیش از تشکیل اسرائیل و در زمان جنگ جهانی دوم، مخصوصاً در هنگام درگیری هیتلر و یهودیان، فعالیتش را شروع کرده بود. موساد هم اکنون حداقل نه هزار کارمند و نیروی رسمی و طبق برخی بررسی‌ها، چیزی نزدیک به پانزده هزار عضو

این مسئله محدود به دانشمندان مصری نبود. بلکه موساد، بر اساس آمارهای وزارت خارجه آمریکا، پس از اشغال عراق، دست کم ۲۵۰ دانشمند عراقی را از سال ۲۰۰۳ تا پایان اشغال عراق توسط آمریکا، ترور کرده است. در دهم اکتبر ۲۰۱۴، پنج دانشمند علوم هسته‌ای سوری، توسط تیم متساوا، در عملیاتی پیچیده ترور شدند. در سال ۲۰۱۸ موساد در روش ترورهای هدفمند خود با فناوری‌های جدید تغییر شکل داد. از آغشته کردن لباس زیر به رادیو اکتیو تا ارسال پهپاد بر سر موضع مورد نظر.

موساد در سال ۲۰۱۸، حشام سلیم مراد، دانشجوی فیزیک هسته ای در فرانسه را به طرز دلخراشی به قتل رساند. ایمان حسام الزهره، شیمیدان فلسطینی را نیز به راحتی از لیست ترورهای خود با موفقیت خارج نمود. موساد حتی در عملیات اسپیلون نیز نقش آفرینی کرده است. عملیاتی که طی آن، به کمک نیروهای متفکین، ده نفر از دانشمندان بزرگ آلمان را که گمان می کردند هیتلر را به مرز دست یابی به سلاح اتمی رسانده اند، اسیر کردند و در مزرعه‌ای دور افتاده، آنها را تحت کنترل خود قرار دادند. از آن ده تن، سه نفرشان پیش‌تر برنده جایزه نوبل شده بودند.

از دیگر عملیات های موساد، ترور دانشمندان آلمانی در سایر علوم نیز بود. سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل، طی تاریخ ۷۰ ساله رسمی خود، حداقل ۲۵۰۰ ترور و عملیات انجام داده که دست کم در این عملیات ها، ۷۰۰ دانشمند و نخبه سایر ملل جهان را به قتل رسانده است. اما نکته اساسی؛ اگر سازمانی به ذکاوت و حرفه‌ای بودن موساد یافت می شود، آیا نباید راه‌های ضدجاسوسی و حمله متقابل به آن را بیاموزیم؟ نباید از ترور دکتر احمدی روشن، تا شهید فخری زاده و البته سپهد شهید قاسم سلیمانی درس بگیریم؟ تاریخ ثابت کرده است مردمی که از گذشته خود عبرت گیرند، دیگر به سوی شکست گسیل نمی‌شوند. اصلا چرا از شعار پرچم جاسوسی اسرائیل درس نگیریم که حدیثی است از حضرت سلیمان(ع) که فرموده اند: «جایی که تدبیر نباشد، ملتی سقوط می‌کند. اما بدانید پیروزی در کثرت مشیران است. پس واقعیت را قبول نماییم. ما برای پیروزی، به یکدیگر نیاز داریم نه به دیگران(اجنبی)».



این استراتژی را با عنوان پیشگیری هدفمند در اراضی اشغالی و علیه گروه های فلسطینی، مخصوصا رهبران آنها امتحان نمود. از معروفترین ترورهای سیاسی موساد و عناصر آن، می‌توان به عماد مغنیه، محمود المبحوحف، فتحی شقاقی، عبدالعزیز رنتیسی، کاروان نظامیان حزب اللهف احمد یاسین، فرماندهان نیروهای مقاومت در لبنان و عراق و سید عباس موسوی اشاره کرد.

از نکات جالب توجه شیوه‌های این ترورهاست که عمدتا حمله از آسمان، به خودروهای آن اشخاص است و این موضوع حاکی از آن است که عناصر نفوذی در تمامی این ترورها نقش داشته‌اند و این گواه آن است که موساد و اصولا اعضای امنیت و اطلاعات اسرائیل، در زمینه‌ی این نوع ترور، تخصص بالایی دارند.

لازم به ذکر است که اسرائیل هیچگاه به واسطه ترور در شورای امنیت سازمان ملل، محکوم نشده است که همه این ها را مدیون و ممنون وتوی آمریکا می‌باشد. ترور علمی اسرائیل از ۱۹۵۲، با قتل سمیرا موسی، بانوی دانشمند هسته‌ای مصر، آغاز گشت. مرگ او را سانحه ی رانندگی عنوان کردند. اما بعدها، رسانه‌های معتبر، مدارکی به دست آوردند مبنی بر آنکه اسرائیل به همراه آمریکا در قتل او نقش داشته‌اند. مرگ او هنگامی رخ داد که مصر از مخالفان درجه یک اسرائیل در جهان اسلام و عرب به شمار می‌رفت. در دوران جمال عبدالناصر، طی بازه زمانی دهه ۵۰ تا ۶۰ میلادی، مصر تصمیم گرفت به قدرت‌های هسته‌ای جهان ملحق شود. نخبگان علوم هسته ای خود را برای تحصیل به غرب فرستاد و هنگامی که اسرائیل از این ماجرا مطلع گشت، توسط موساد و متساوا تصمیم به حذف نیروهای اصلی پروژه‌های هسته‌ای مصر گرفت. این پاکسازی با سمیرا موسی شروع شد.

سپس در سال ۱۹۶۷، سمیر نجیب کشته شد. او نیز علت مرگش صدمات حاصل از سانحه رانندگی عنوان شد. هرچند به مانند سمیرا موسی، صحنه‌سازی رخ نداده بود و واقعا نیز سانحه رانندگی علت مرگ او بود. سانحه‌ای که از مرگ سمیرا موسی نیز مشکوک‌تر بود.

در سال ۱۹۸۰، بزرگترین ضربه به پروژه‌های هسته ای مصر وارد شد. جسد یحیی المشد، از دانشمندان نامدار عربی در دنیای علوم هسته‌ای، توسط خدمه هتل مری دیان پاریس کشف شد. در حالتی که بر اندامش چندین و چند ضربه چاقو قابل مشاهده بود. هیچگاه قاتلان او پیدا نشدند و بلکه تنها زنی که به عنوان کارگر جنسی، صحنه قتل او را دیده بود، بعدها جسدش در جنگل‌های پاریس پیدا شد. المشد، از مهره‌های اصلی گسترش علوم هسته‌ای در جهان عرب نیز بود. او در کشورهای عراق و سوریه نیز فعالیت هسته‌ای داشت.

نزدیک خبر داد اما تاکنون این شورا جزئیاتی منتشر نکرده و از قضا منابع مختلف به ارائه روایت گوناگون از این حادثه مشغولند. همزمان وزیر اطلاعات نیز گفته بود که به سرخ هایی درباره جزئیات این حادثه تروریستی دست یافته و به زودی اطلاع‌رسانی می‌کند که هنوز چنین نشده است. در این میان اما سردار علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران به تازگی جزئیاتی تازه از حادثه ترور شهید فخری زاده روایت کرده و از جمله گفته که یازده پاسدار شهید فخری زاده را همراهی می‌کردند تا

بتوان گفت که برای اولین بار یک مقام رسمی، درباره تعداد محافظان شهید فخری‌زاده اظهار نظر می‌کند. در این صورت اگر این‌طور در نظر بگیریم که خودرو حداکثر برای ۴ محافظ گنجایش دارد، می‌توان گفت که احتمالاً ۳ خودرو با ۱۱ سرنشین پاسدار که احتمالاً همان محافظان بوده‌اند، شهید فخری‌زاده را اسکورت می‌کردند و این یعنی کاروانی شامل ۴ خودرو (خودروی شهید فخری‌زاده و ۳ خودروی همراه) در حرکت بوده‌اند که این مساله احتمالاً می‌توانست در مواقعی جلب توجه کند. همزمان گفته اخیر فدوی به معنای آن است که سطح بالایی از حفاظت از یک شخصیت سیاسی یا نظامی و عملی فعال بوده است. با این حال تاکنون تنها از یک محافظ به نام حامد اصغری شنیده‌ایم که او هم بعد از جراحی بر اثر اصابت چندین گلوله، تحت عمل جراحی قرار گرفته و آن‌گونه که برادرش گفته، رو به بهبودی است.

سردار فدوی در ادامه سخنان خود به موضوع عدم حضور نیروی انسانی نیز تاکید کرده و گفته که انفجار نیشان احتمالاً به خاطر از بین بردن تیربار مستقر روی نیشان بوده است. حال آنکه پیش‌تر برخی بر این باور بودند که خودروی نیشان یک تله انفجاری برای به شهادت رساندن شهید فخری‌زاده بوده است. سردار فدوی اما توضیح داده که قطع نخاع ناشی از اصابت گلوله به کمر شهید فخری‌زاده، علت شهادت بوده است. با این وجود اما همچنان این انتظار در افکار عمومی وجود دارد که جزئیاتی روشن از این حادثه از جانب یک نهاد رسمی منتشر تا از ابهامات کاسته شود. آنچه در ادامه و پس از روایت سردار فدوی از این عملیات ترور خواندیم، ۵ روایت جداگانه دیگر از این حادثه است که تاکنون توسط یک خبرگزاری، یک مقام ارشد امنیتی، یک مستندساز، یک نماینده مجلس و همچنین همسر و دو فرزند شهید فخری‌زاده به عنوان اعضای این خانواده شهید منتشر شده است.



روایت انفعال اطلاع‌رسانی پیرامون وقایع ترور شهید فخری زاده

شهید محسن فخری زاده

حسین دورودی | دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

عصر روز جمعه هفتم آذر ماه بعد از ساعت‌ها گمانه زنی و اخبار ضد و نقیض درباره ترور یکی از دانشمندان هسته‌ای و دفاعی کشورمان توسط یک تیم تروریستی مسلح در شهر آسرد شهرستان دماوند، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با صدور اطلاعیه‌ای ترور و شهادت «محسن فخری زاده» معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و نوآوری‌های دفاعی (سپند) در یک عملیات تروریستی را تأیید کرد.

زمان تقریبی واقعه به نقل از خبرگزاری تسنیم: ساعت ۱۴:۳۰ مکان: حوالی میدان خلیج فارس شهرستان آسرد

چند روایت از نحوه عملیات ترور شهید فخری زاده

جزئیات ترور شهید فخری‌زاده هنوز در حاله‌ای از ابهام است هر چند تعداد منابعی که در این باره صحبت کرده‌اند حالا از عدد ۵ بیشتر شده است. جزئیات مختلفی تاکنون روایت شده که البته چندان به روشن شدن ابعاد این حادثه تروریستی کمک نکرده و بعضاً به ابهامات در افکار عمومی دامن زده است. در روزهای ابتدایی برخی منابع سخن از حضور ۶ تروریست یا ۱۲ تروریست را به میان آوردند اما کم‌کم این روایت کنار گذاشته شد و بسیاری بر این تاکید کردند که هیچ عامل انسانی در صحنه ترور حضور نداشته است. به علاوه درباره تعداد محافظان شهید فخری‌زاده روایت‌هایی متفاوت وجود دارد و در حالی که برخی از ۴ محافظ می‌گفتند، به تازگی عدد ۱۱ محافظ مطرح شده است.

چندی پیش سید یوسف مولایی، فرمانده سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز از اطلاع‌رسانی درباره جزئیات این عملیات ترور از جانب شورای عالی امنیت ملی در آینده

روایت یک مقام ارشد امنیتی

علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی: دستگاه‌های اطلاعاتی به این اطلاعات رسیده بودند که شهید فخری‌زاده مورد هدف اقدام تروریستی قرار می‌گیرد و در کدام محل نیز قرار است این عملیات انجام شود، دقیقا محلی که او به شهادت رسید. آنها می‌دانستند، در این محل قرار است یک عملیات علیه این شهید انجام شود. تقویت‌های لازم در خصوص تیم حفاظت او نیز صورت گرفته بود اما این بار دشمن از سبک و شیوه کاملا جدید، حرفه‌ای و تخصصی استفاده کرد که متأسفانه توانستند و موفق شدند و او را پس از ۲۰ سال تلاش به شهادت برسانند. متأسفانه این عملیات، عملیات بسیار پیچیده‌ای بود و با به کارگیری تجهیزات الکترونیکی رخ داد. هیچ فردی در صحنه حضور نداشت، اما سرخ‌هایی وجود دارد. در ضمن برای ما مشخص است کسی که این عملیات را طراحی کرده، کیست و سابقه آن چیست.

روایت یک مستند ساز

جواد موگویی، مستندساز: سر دوربرگردان بلوار امام، نیشان بدون سرنشین و مجهز به مسلسل اتوماتیک پارک شده بود؛ درست زیر ترانس برق. مواد منفجره نیز در نیشان جاسازی شده. آن دست بلوار نیز خودروی سانتافه با ۴ سرنشین در انتظار بوده. به علاوه ۴ موتورسوار و ۲ تک‌تیرانداز. خودروی «اسکورت یک» عبور می‌کند. خودروی دکتر با همسرش که به دوربرگردان می‌رسد، مسلسل اتوماتیک شلیک می‌کند. ۳ گلوله به دست و پای دکتر فخری‌زاده اصابت می‌کند. او پیاده می‌شود. خودروی «اسکورت دو» می‌رسد. حامد اصغری پیاده می‌شود، خود را روی دکتر می‌اندازد و ۴ گلوله می‌خورد. ناگهان نیشان با ریموت منفجر می‌شود. همزمان سرنشینان سانتافه و موتورسواران شلیک می‌کنند؛ ۱۲ نفر همزمان؛ تیم حفاظت زیر آتش گلوله قرار می‌گیرد. هیچ یک از تروریست‌ها دستگیر یا کشته نمی‌شوند!

روایت مستقیم و غیر مستقیم همسر و دو فرزند شهید فخری زاده

در این میان دو روایت جداگانه، یکی از قول همسر شهید رضایی‌نژاد به نقل از همسر شهید فخری‌زاده و دیگری از سوی فرزندان شهید منتشر شد. همسر شهید رضایی‌نژاد با حضور در یک برنامه تلویزیونی به نقل از همسر شهید فخری‌زاده گفت: آگه بتوانم امانتدار خوبی باشم روایت این‌گونه بوده که ایشان فرمودند یک صدای برخورد که همراه با لرزش است، می‌شنوند و بعد هم مثل اینکه گویا در رادیاتور ماشین اشکالی ایجاد شده باشد، وقتی

روایت یک خبرگزاری

خبرگزاری فارس: خودروی ضدگلوله حامل شهید محسن فخری‌زاده و همسرش، صبح جمعه به همراه ۳ خودروی تیم حفاظت از شهر رستمکلاهی مازندران به سمت آبسرد دماوند حرکت می‌کند. خودروی پیشروی تیم حفاظت چند کیلومتر مانده به محل حادثه، اسکورت را برای چک و خنثی محل مقصد ترک می‌کند. در همین لحظات، صدای ناشی از اصابت چند گلوله به خودرو، موجب جلب توجه فخری‌زاده شده و او به تصور اینکه صدای ناشی از برخورد با مانع خارجی یا اشکال در موتور خودرو بوده، پیاده می‌شود. در همین لحظه از خودرو نیسانی که در فاصله ۱۵۰ متری ماشین شهید متوقف بوده، از یک دستگاه تیربار اتوماتیک کنترل از راه دور، شلیک‌های متعددی به سمت شهید صورت می‌گیرد. ۲ گلوله به پهلو و یک گلوله به پشت شهید برخورد می‌کند که منجر به قطع نخاع او می‌شود. در این اثنا سرتیم حفاظت بدن خود را حائل پیکر شهید می‌کند و چند تیر نیز به بدن او اصابت می‌کند. لحظاتی بعد همان نیشان متوقف شده نیز منفجر می‌شود. پیکر مجروح شهید به درمانگاه و از آنجا با بالگرد به بیمارستانی در تهران منتقل می‌شود که متأسفانه پس از مدتی به شهادت می‌رسد.

روایت یک نماینده مجلس

فریدون عباسی، رئیس کمیسیون انرژی مجلس: از محافظان شنیدم یک خودروی نیشان آبی را که چوب حمل می‌کرده، آنجا پارک کرده و در آن مواد منفجره کار گذاشته بودند. گویا می‌خواستند با تیراندازی طوری عمل کنند که خودروی شهید فخری‌زاده کنار نیشان متوقف شود تا بعد از آن بتوانند با انفجار خودروی نیشان آبی، ایشان را ترور کنند. تیراندازی که می‌کنند، آقای فخری‌زاده دور از نیشان متوقف و از خودرو پیاده می‌شود. شاید احتمال می‌داده تیراندازی هست و ممکن است همسرشان آسیب ببیند. همین باعث می‌شود که تیر به کتف ایشان برخورد کند و محافظان ایشان را پوشش می‌دهند و ضاربان هم محافظان را می‌زنند و گویا محافظ ۳ یا ۴ تیر می‌خورد و بعد، خود شهید فخری‌زاده را هدف قرار می‌دهند و در همین فاصله نیشان را منفجر می‌کنند و این باعث می‌شود ذهن محافظان به این سمت برود که تله انفجاری و نه انتحاری در کار بوده؛ چون کسی آن را نمی‌رانده است. اینکه کسی توی جاده آمده باشد هنوز مشخص نیست.

خوبی که دستگاه امنیتی ما انجام داده مورد بحث و بررسی قرار گرفت، این اقدامات نشان می‌دهد که دستگاه امنیتی-اطلاعاتی ما توانمندی بالایی دارند.

وی افزود: در کنار این موضوعات ابعاد مختلف موضوع ترور و شهادت محسن فخری زاده بررسی شد، نیروهای امنیتی در شناسایی سرنخ‌ها کارهای خوب و مؤثری انجام دادند و به نتایج خوبی دست یافته‌اند.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به خانه ملت، گفت: جامعه اطلاعاتی ما با انگیزه، انسجام و هم‌افزایی موضوع ترور شهید فخری زاده را پیگیری می‌کنند ولی با توجه به اینکه این پرونده جاری است، دستگاه امنیتی-اطلاعاتی درباره سرنخ‌ها و افرادی که شناسایی شدند در صورت تشخیص توضیحاتی را اعلام خواهند کرد.

تخت‌روانچی در نشست شورای امنیت:

● ترور محسن فخری زاده توسط اسرائیل انجام شد ●

مجید تخت‌روانچی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد ملل متحد در نشست شورای امنیت سازمان ملل درباره اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ که روز سه‌شنبه ۱۳۹۹/۱۰/۲ به طور آنلاین برگزار شد بیان کرد:

«سرنخ‌های جدی نیز وجود دارد که ترور شهید فخری زاده، دانشمند برجسته ایرانی در ۷ آذر ۱۳۹۹، توسط رژیم اسرائیل، نزدیک‌ترین متحد آمریکا در منطقه، صورت گرفته است که دارای سابقه‌های سیاه و طولانی در انجام چنین اقدامات تروریستی علیه دانشمندان هسته‌ای ایران در گذشته است.»

التهایه

با نگاهی که به شواهد موجود و سابقه رژیم صهیونیستی در انجام این گونه اقدامات ظالمانه و تروریستی علیه دانشمندان هسته‌ای و نظامی کشور می‌توان دریافت که در پشت پرده‌ی این عملیات نیز سرویس اطلاعاتی اسرائیل غاصب «موساد» نشسته‌اند که لازم است از تمامی ظرفیت‌های کشور جهت مجازات عاملان این فاجعه و پیشگیری از اقدامات مشابه توسط دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی و امت اسلامی بهره‌برد. در پایان امید است که با ظهور امام عصر (عج) انتقام خون همه‌ی شهیدان راه سربلندی اسلام از جمله شهید فخری زاده گرفته شود.



که شهید فخری زاده در خودرو را باز می‌کند، متوجه می‌شود که احتمال بسیار زیاد حمله تروریستی باشد. هم‌زمان با این صدا، ۲ گلوله هم به سمت سر ایشان، از جلوی شیشه خودرو شلیک می‌شود و ایشان در حالی که فرمان را در دست داشته‌اند، سر خود را خم می‌کند و به ایشان نمی‌خورد و از ماشین بیرون می‌آید با این نیت که به ماشین محافظان برسد. گلوله اول به کتف ایشان اصابت می‌کند. بعد از این، سرتیم محافظان خودش را روی شهید فخری زاده می‌اندازد و اینقدر به او شلیک می‌شود که او هم کنار می‌رود و دو گلوله از بدن سرتیم رد می‌شود و به بدن شهید فخری زاده اصابت می‌کند و باقی گلوله‌ها به بدن ایشان شلیک می‌شود که منجر به شهادت‌شان و بعد هم ماشین نیشان منفجر می‌شود؛ آثار جراحات روی صورت خانم فخری زاده وجود دارد.

همچنین مهدی و حامد فخری زاده، فرزندان شهید فخری زاده اخیراً میهمان برنامه بدون تعارف بخش خبری ۲۰:۳۰ بودند که هر کدام از نکاتی در این عملیات پرده برداشتند.

مهدی فخری زاده در بخشی از توضیحاتش گفت: براساس آنچه شنیده‌ام احتمالاً ۴ تا ۵ گلوله از فاصله بسیار نزدیک به سوی شهید فخری زاده شلیک شده و به او خورده است. سرنشینان خودرو از لحظه‌ای که خودرو متوقف شده بود متوجه اقدام تروریستی شده‌اند. ایشان (شهید فخری زاده) احساس کردند، خودرو آسیب دیده و بعد پیاده می‌شوند و متوجه می‌شوند جریان این‌گونه است. بعد هم که در عکس‌ها مشخص است ابتدا ماشین را گلوله‌باران کرده‌اند. حاج خانم هم کنار ایشان نشسته بودند و می‌گویند صحنه درگیری صحرای کربلا بوده و توضیح می‌دهد که فاصله خودرویی که منفجر شده بوده، با خودروی شهید فخری زاده بسیار کم و احتمالاً ۱۰ متر بوده و به همین خاطر ترکش‌های انفجار به بدن مادر هم اصابت کرده است. حاج خانم می‌گویند که هیچ فردی را در صحنه ترور ندیده است.

حامد فخری نیز در بخش دیگر این برنامه درباره حال و هوای حاکم بر صحنه ترور توضیح داد: این حادثه نه تنها یک ترور، بلکه جنگ تمام‌عیار بود. تا آنجا که اطلاع داریم یکی از محافظان در زمان وقوع حادثه خود را جلوی حاج آقا انداخت و به او هم تیراندازی شد، اما به لطف خدا در صحت و سلامت کامل به سر می‌برد، جزییات دیگر را جویا نشده‌ایم!

● سرنخ‌هایی از ترور شهید فخری زاده به دست آمده است ●

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی از شناسایی سرنخ‌های ترور شهید فخری زاده توسط نیروهای امنیتی کشور خبر داد:

ابعاد مختلف مأموریتی وزارت اطلاعات را در جلسه‌ای حدود ۶ ساعت در محل وزارتخانه بررسی کردیم. ابعاد مأموریتی و اقدامات

و عقیده بود. چرا که در علم نشانه شناسی سر نماد عقلانیت و قلب نماد ایمان و عقیده است. از این رو می توان ادعا کرد که دشمنان امت اسلامی قصدشان ترور عقل و عقیده برخاسته از مکتب فکری امام خمینی(ره) بود. ترور حاملان و حامیان تفکر مقاومت اسلامی در حقیقت برای به زانو در آوردن اسلام شیعی بود اما به برکت خون چنین متفکران وارسته ای، نهال مقاومت و انقلاب زنده ماند. نفس کشید و در هر تپش قلب، روحیه استکبارستیزی در سراسر وجودش قد کشید تا به درخت تناوری تبدیل گردد.

آنگاه که نهال انقلاب اسلامی در حال ریشه دواندن در خاک مقدس وطن بود، تند باد سموم حزب بعث به سرکردگی صدام برگ های سبزش را به تلاطم انداخت و ترور دگر باره از آستین نکبت بار منافقین بیرون آمد و بر پیکر نهال انقلاب اسلامی چونان آفتی دهشت-انگیز زخم زد. هم سنگران و هم رزمان دیروز حالا مودیانۀ آفت جان شده بودند تا بر صورت مبارک انقلاب وحشیانه چنگ زنند و زخمی دیگر ایجاد نمایند. همان مجاهدینی که به ظاهر فریادشان عدالت خواهی و آرمانشان رهایی خلق بود، اینک تیشه ای شده بودند بر ریشه ملت مظلوم ایران تا غیور مردانی چون: بهشتی، باهنر، رجایی و لاجوردی - و هفده هزار شهید بی گناه دیگر قربانی انحراف کوردلانۀ این منافقین شوند و با مظلومیت تمام در خون خود بغلند تا تفسیری بر این آیه شریفه باشند که فرمود: **بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُمْ!**

به کوری چشم کور دلان معاصر اینک که این نهال برومند به درختی تنومند بدل شده و میوه های معنویتش ثمر داده، دشمنان کوتاه فکر این ملت بیش از پیش در اندیشه زخم زدن بر تن تناور و سرو سان انقلاب هستند. ترور مظلومانۀ دانشمندان هسته ای و صنعتی، پرده دیگری از نمایش شوم و تراژدی تلخ تروریسم جهانی است که از آستین ننگین موساد و سیا بیرون آمد و چون دشنه ای زهرآگین بر قلب ملت عزیز ایران نشست و زخم دیگری بر پیکر وطن زد. شهیدان مظلوم: شهریاری، احمدی روشن و حالا شهید محسن فخری زاده گواه مظلومیت ملت ما در عصر به ظاهر آزاد اندیشی و علم محوری جهان غرب هستند. این زخم چونان مدال افتخاری بر تارک ملت غیور ایران می درخشد. این ترورها نمادی از نبرد دائمی حق و باطل هستند. انگار دشمنی با ایران اسلامی هرگز تمامی ندارد.

IRAN



ملت زخم خورده از تروریسم

آرش وثاقتی جلال | دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

ترور!!! شاید بارها و بارها در فیلم های مستند و کتب مختلف تاریخی و سیاسی به این کلمه برخورد کرده باشیم و آن را صدها دفعه در زمان ها و مکان های مختلف از نظر گذرانیده باشیم. اما آیا تا به حال از خود پرسیده ایم که به راستی تروریسم چیست و تروریست کیست؟ ترور واژه ای فرانسوی به معنای وحشت افکنی است اما در میان فارسی زبانان معنای دیگری پیدا کرده و در مفهوم قتل با اغراض سیاسی و اعتقادی با سلاح گرم و سرد متداول گشته است. قربانیان پدیده شوم ترور و تروریسم در سده گذشته عمدتاً کشورهای استعمارزده و خواهان تحوّل و پیشرفت نظیر: سوریه، مصر، ایران و... بوده اند. بله ایران عزیز ما اگر نگوییم که بیشترین آماج حملات و قتل های تروریستی بوده، بدون شک یکی از بزرگ ترین قربانیان این جریان منحوس جهانی است.

هنگامی که نهال نوپای انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۵۷ با خون و فریاد و اشک میلیون ها زن و مرد مسلمان متولد شد، از همان ابتدا داغ ترور عزیزان و دلسوزان نظام بر پیکر نحیف اش نشست و زخم برداشت. به بهانه های واهی و دسیسه چینی های دو ابرقدرت شرق و غرب، صاحب نظران اندیشه مقاومت یکایک چون گلبرگ های خونین بر خاک افتادند و ترور شدند. آری ترور شدند. مطهری، قرنی، مفتاح و صدها رادمرد دیگر در کوتاه ترین زمان ممکن با تیر خصومت خصم دون، مظلومانه از پای درآمدند و برای استقلال، آزادی و تحقق جمهوری اسلامی خون خود را نثار این انقلاب نمودند. آنان که دست بر ماشه بردند و سر و قلب اندیشمندان ما را نشانه رفتند، نیت پلیدشان ترور عقل و عقیده بود. چرا که در علم نشانه شناسی سر نماد عقلانیت و قلب نماد ایمان و عقیده است. از این رو می توان ادعا کرد که دشمنان امت اسلامی قصدشان ترور عقل و

نیجریه و برزیل و یمن رسیده تا نهضت بیداری مظلومان را به یک نهضت جهانی تبدیل نماید.

هر چند در دهه شصت تروریست ها بهشتی را شهید نمودند اما فریاد عدالت خواهی و حق طلبی که او پیشگام آن بود، چنان گسترش یافته که امروزه از قلب اروپا به گوش جهانیان می رسد. اگرچه جریان منحوس تروریسم، حاج احمد متوسلیان را ربود اما به حرمت این دلیر مرد جهان تشیع، امروزه پرچم ایران اسلامی بر بلندی های جولان و سوریه به حرکت در آمده و در آینده ای نه چندان دور ان شالله در قدس شریف نیز به اهتزاز در خواهد آمد.

مقاومت اسلامی گر چه مدیون فداکاری های اشخاص بزرگی چون: چمران و حکیم و مغینه و حاج قاسم و ابومهدی مهندس و فخری زاده و... است اما متکی به شخص نیست. این نهضت همانند چشمه ای جوشان و سیلی خروشان می جوشد و می خروشد و مدام جاری و ساری و طاهر و مطهر پیش می رود و برای رسیدن به هدف مقدس خویش سنگ ها و سنگلاخ ها را در هم می شکند و می پیماید تا به یمن خون شهیدان به یم دریای سعادت و آزادی برسد. به قول سردار دل ها: «ما ملت شهیدتیم. ما ملت امام حسینیم.» حال مگر می شود، ملتی که آرزویش شهادت است و آرمانش حسین (علیه السلام) با از دست دادن قاسم ها و محسن های شهیدش میدان را خالی کند؟! نه؛ هرگز! هرگز!

دیو پلید تروریسم! بدان و آگاه باش که ما در پی شهادتیم و هرگز پا پس نمی کشیم. پس «بکشید ما را تا ملت ما بیدارتر شود» بکشید ما را تا از خاکستر وجودمان ققنوس دیگری سر برون آورد.

از آن روزی که شهید رجایی پاهای داغ دیده خود را با شجاعتی مثال زدنی روی میز سازمان ملل نهاده و فریاد مظلومانة ملت زخم خورده از تروریسم را به گوش همه جهانیان رساند تا به امروز این مبارزه هم چنان ادامه دارد.

دیروز ایدئولوژیست را، مسئول صادق را ترور کرده و امروز دانشمند و مولد علم را به قربانگاه ترور می برند. برای سنگ دلان تروریست تفاوتی ندارد که چه جایگاه و خط فکری و مسئولیتی داشته باشی. هر جا که احساس کنند، پیشرفت ایران و اسلام در حال تحقق است، همان جا همان شخص را به مسلخ ترور می برند و او را به شنیع ترین شکل ممکن می کشند. این حرکت های پلشت و ننگین تروریست ها نشان می دهد که کشتار ناجوان مردانۀ یک شخصیت علمی و دانشگاهی، ذیلانه ترین و آخرین تلاش های آنها برای متوقف کردن جریان اصیل انقلاب اسلامی ایران است ولی حاشا و کلا که پس از هر ترور، اگر ذره ای سکون و انفعال پدید آید. بلکه روحیه ای مضاعف در پیمودن مسیر حق و اتحاد و همدلی پدیدار گشته و می گردد.

زمانی پرده افکار پلید تروریسم به کناری رفت و تشت رسوایی شان بر زمین افتاد که دست های ننگین تروریسم از آستین ترامپ قمارباز بیرون آمد و حاج قاسم سلیمانی را درست در حریم حرم امام حسین(ع) پر پر نمود.

امروز بر همگان ثابت شده است؛ هر چند دیروز جریان پلید تروریسم، مطهری را شهید کرد ولی امروز به برکت خون ایشان و همفکران شهیدش ایدئولوژی اسلامی از ایران سر چشمه گرفته و آمریکای لاتین و آفریقا را در نور دیده و به

بیدار تر

میشویم ...

علی خواجوی | دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

ما را بکشید ملت ما بیدار تر میشود

انقلاب اسلامی ایران هر چند که مدت کوتاهی از آن میگذرد همیشه ضربات غیر قابل جبرانی از عملیات های تروریستی خورده! چه در سال های ابتدایی انقلاب که گروهک های مخالف انقلاب به صورت علنی علیه نظام عملیات میکردند چه در این سال های اخیر که سیستم های اطلاعاتی کشور های خارجی مثل موساد و سی آی ای و... دست به عملیات های موفق و ناموفقی در کشور زده اند. بی شک هر وقت انقلاب اسلامی در مسیر پیشرفت قرار میگیرد دشمنان با قصد کاستن از سرعت آن مهره های کلیدی این امر را هدف قرار می دهند. در این مقاله کوتاه به بررسی تاریخچه ترور از سال های اول انقلاب تا به امروز می پردازیم.

اولین فرد محدودولی قرنی در سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست گروه فرقان در خانه اش ترور شد. از حمید نیکنام و همفکرانش به عنوان ضارب و عامل ترور نام برده می شود. دو گلوله به سینه او یک گلوله به پای او هنگام شهادت برخورد کرده بود. بی شک هدف دشمنان تضعیف کشور در زمینه دفاعی بوده. ترور های گروه فرقان به همین جا ختم نمیشود و معلم شهید دکتر مطهری هدف بعدی آن ها بود که بی شک در آن زمان دکتر به روشنگری اسلام در میان گروه های مخالف و کسانی که در دل خود به انقلاب شک داشتند می پرداخت و با مباحث علمی و مناظراتی که با مخالفان داشت در حال ایجاد فضای مناسب و ترویج اندیشه مطهرش در جامعه بود که مخالفان فرصت به او ندادند.

تقریباً سال ۵۸ را می شود سال ترور نامید در اردیبهشت دو شهید بالا را تقدیم امام انقلاب کردیم و در ادامه آن سال سخت حاج مهدی عراقی محمد مفتاح و سید محمد علی قاضی طباطبایی که هر کدام نقش مهمی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی در جامعه داشتند. اما این تنها گروهی نبود بلکه سازمان منافقین هم که با شعار های خود در انقلاب اسلامی ایران چند دستگی ایجاد کرده بود بعد از

نشسته بود، باغانی و قندی هم در اطراف من بودند. جواد سرافراز، در ردیف پشت من بود... وقتی بمب منفجر شد ما یک زردی ای دیدیم و دیوار را من دیدم که زرد شد و انفجار... در آن شرایط همه قرآن می خواندند و ناله هم شنیده می شد ولی بیشتر همه قرآن می خواندند و شهادتین می گفتند، صداها به تدریج کمتر می شد، و بعد هم از بالا مثل اینکه یک جرثقیل آوردند که این طاق یک تکه را بردارند. جرثقیل نتوانست سقف را بلند کند و زنجیرش پاره شد و دوباره این طاق افتاد روی آوار، البته در این شرایط افراد در لابه لای صندلی ها قرار گرفته بودند. عبدالکریمی نماینده لنگرود، که در حال قرائت قرآن بود، در همین شرایط شاید با افتادن مجدد طاق، شهید شد. از بعضی دوستان دیگر هم صداهایی می آمد، بعداً متوجه شدم که تقریباً سرم روی سینه آقای باغانی بود و این بنده خدا داشت به لقاالله می رفت. صداها، از هزاران نفری که روی پشت بام ایستاده بودند شنیده می شد، که هیچ کاری هم از دستشان بر نمی آمد. گویا در فضای روی طاق گرد و خاک بوده، این ها با پاشیدن آب، قصد رفع گرد و خاک را داشتند، غافل از اینکه این کار تمام منافذی که برای تنفس ما وجود داشت مسدود می کرد.

با حدود ۴ ساعت، احساس کردم که مقداری راه تنفس ایجاد شد و دست چپم را از زیر خاک بردم بالا و دست مرا پیدا کردند.

در این ترور دکتر بهشتی (رییس قوه قضاییه وقت) و ۷۲ تن دیگر نیز شهید شدند.

در روز قبل یعنی ۶ تیر سال ۶۰ در مسجد ابوذر تهران عملیات ناموفقی از سوی منافقین باعث مجروح شدن حضرت آیت الله خامنه ای شد که به یاری خدا ایشان دچار صدمات جدی ای از این حادثه نشدند. شاید این ۲ را آخرین عملیات های موفق منافقین در ایران بشود نامید بعد از این سپاه پاسداران با شناسایی خانه های تیمی آن ها در شهر ها و شناسایی خود افراد به تار و مار کردن آن ها پرداخت البته در همین حین هم با شکنجه و کشتن چندین تن از مردم و نیروهای سپاه پاسداران ضرباتی به بدنه امنیت کشور در آن سال ها وارد کردند ولی هیچکدام به بزرگی سال های آغازین انقلاب نبود نباید غافل بود که نفوذ افرادی مثل بنی صدر که وابسته به منافقین بود تاثیر زیادی در ترور های ابتدایی منافقین داشت. بنی صدر و مسعود رجوی، در ساعت ۲۲:۴۵ سه شنبه ۶ مرداد ۱۳۶۰، از فرودگاه مهرآباد و با هواپیمایی که بهزاد معزی هدایت آن را بر عهده داشت از ایران گریخته و با عبور از کشورهای ترکیه، قبرس، یونان و شمال ایتالیا، در یک فرودگاه نظامی واقع در حومه پاریس به زمین نشستند معزی پیشتر نیز هدایت هواپیمای شاه را به قصد مراکش بر عهده داشت. فردای آن روز کانال دو تلویزیون فرانسه بنی صدر را نشان داد در حالی که سبیلش را تراشیده و در کنار مسعود رجوی، سلامتیان و سرهنگ معزی ایستاده بود. رجوی و بنی صدر به همراه برخی گروه های دیگر، شورای ملی مقاومت ایران برای

اینکه خط آن ها از انقلاب جدا شد شروع به تضعیف نظام کردند. از مهمترین عملیات های این گروه باید به سال ۶۰ اشاره کرد که شاید در تاریخ جهان همچنین جنایاتی بی سابقه باشد.

انفجار در دفتر نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران یک واقعه تروریستی بود که در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۶۰ ساعت ۳ عصر در تهران در خیابان پاستور و در طی برگزاری جلسه شورای عالی امنیت ملی کشور با حضور رئیس جمهور و نخست وزیر وقت صورت گرفت. در این اتفاق محمد علی رجایی رئیس جمهور و محمد جواد باهنر نخست وزیر (در اثر انفجار)، عبدالحسین دفتریان مدیرکل مالی اداری نخست وزیر (در اثر خفگی در آسانسور) و یک عابر در بیرون ساختمان کشته شدند. ۶ روز پس از این واقعه هوشنگ وحید دستجردی رئیس وقت شهرداری ایران که در جلسه حضور داشت نیز در اثر شدت جراحات ناشی از سوختگی در گذشت. در آغاز چنین تصور شد که مسعود کشمیری که آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی بود نیز در این انفجار کشته شده و قطعاتی از اجساد دیگران به عنوان بازمانده جسد وی دفن شد ولی پس از مدتی معلوم شد که وی از مرتبطان با سازمان مجاهدین و عامل اصلی انفجار بوده و به خارج از ایران گریخته است. در همین رابطه بعدها دو نفر اعدام شدند و یک نفر به نام تقی محمدی همدان زندان خودکشی کرد. در آن زمان امنیت اطلاعات سپاه پاسداران ترور ها را منتسب به منافقان دانست و مسعود رجوی رییس وقت سازمان مجاهدین بود که این عملیات را پی ریزی کرده بود.

بعد از ایشان میر اسدالله مدنی در ۲۱ شهریورماه ۱۳۶۰ در حال اقامه نماز جمعه ترور شد. مسئولیت ترور او را سازمان مجاهدین خلق ایران بر عهده گرفت. اسدالله مدنی دومین شهید محراب انقلاب اسلامی لقب گرفته و همینطور در آن سال حسن آیت در هشت صبح روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ (پنج هفته پس از واقعه ی هفتم تیر) در مقابل منزلش در مرکز تهران، توسط گروه نامعلومی که عده ای می گویند سازمان مجاهدین خلق ایران بوده با شلیک ۶۵ گلوله کشته شد حسن آیت از مهمترین افرادی بود که در تدوین قانون اساسی فعلی ما نقش داشت.

اما دردناک ترین این ترور ها بمب گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی بود در ادامه اظهارات مرتضی محمد خان که هم اکنون معاون اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و از اعضای هیئت علمی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی می باشد، همچنین بعنوان کارشناس رسمی دادگستری استان تهران و رئیس شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری فعالیت می نماید می خوانیم: بهشتی هم پشت همین میز نشسته بودند و مدت کوتاهی از شروع جلسه نگذشته بود که بمب عمل کرد و دفتر حزب منفجر شد، در ردیف جلوی من محمد منتظری

سلیمانی از آن یاد کرده اند پیش نگرفته اند دستگاه دیپلماسی ما باید پیگیر این خون های ریخته شده باشد و در کنار انتقام سختی در زمینه نظامی در زمینه دیپلماسی و حقوقی هم حق خود را از دیوان کیفری بین الملل بگیریم تا این جنایتکاران جنگی و زیرباگذارندگان حقوق بین الملل به سزای اعمال خود برسند در تاریخ پر از این ترور های منتسب به نیرو های اطلاعاتی امریکا و کشور های اروپایی است در حالی که مجامع بین المللی هیچوقت بازخواستی نکرده اند دولت های اروپایی که همیشه کشور های خاورمیانه مثل کشور ما را به تروریسم متهم می کنند همواره چشم خود را بر این واقعیت بسته اند که انقلاب ما از همان ابتدا قربانی اصلی این جرم بین المللی بوده تا به امروز و هیچ کشوری و ملتی مثل ما زخم خورده این بی عدالتی نبوده باید نیرویی ایجاد شود در این زمینه از لحاظ حقوقی اقداماتی انجام دهد تا دیگر همچین جنایاتی بی پاسخ نماند. در سال ها اخیر انقلاب که کشور ما در فناوری هسته و نظامی به پیشرفت های بزرگی دست یافته دشمنان این خاک امریکا و اسرائیل و کشور های اروپایی همواره با این اقدامات خلاف حقوق بشر خود میخواستند چرخ انقلاب را نگه دارند در حالی که هر روز تولد فخری زاده و احمدی روشن دیگر است. در پایان این متن با کلامی امید آفرین از امام (ره) به پایان می رسانیم:

((بریزید خون ها را؛ زندگی ما دوام پیدا می کند. بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می شود. ما از مرگ نمی ترسیم و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می کشید. برای این که منطبق ندارید. اگر منطبق داشتید که صحبت می کردید؛ مباحثه می کردید. لکن منطبق ندارید، منطبق شما ترور است! منطبق اسلام ترور را باطل می داند. اسلام منطبق دارد؛ لکن با ترور شخصیت های بزرگ ما، شخص های بزرگ ما، اسلام ما تأیید می شود))

مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی تشکیل دادند که این شورا بعدا سرتیب شوشتری را در سیستان به شهادت رساند. اما این ترور ها همچنان ادامه داشت تا سال های اخیر که ایران در دانش هسته ای به پیشرفت های دست یافت برخی از رسانه های معتبر آمریکا از جمله ان بی سی، نیویورک تایمز و نشریه نیویورک در گزارش هایی در سال ۲۰۱۲ میلادی، با استناد به دو مقام آمریکایی مدعی شدند که دولت اسرائیل با همکاری سازمان مجاهدین خلق در ترور دانشمندان هسته ای در ایران دست داشته است باید توجه داشت مجاهدین خلق به عنوان یک گروه تروستی در جهان شناخته میشد اما در سال ۲۰۰۹ هم وزارت امور خارجه امریکا آن را تروریستی دانست اما در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۸۹، یک دادگاه استیناف در واشینگتن دی سی آمریکا حکم کرد که نگه داشتن سازمان مجاهدین در لیست تروریستی آمریکا اشتباه بوده است و اینکه وزارت خارجه آمریکا می باید در این نامگذاری تجدید نظر کند. این موضوع برای این سازمان که ۱۳ سال برای خارج شدن از لیست تروریستی آمریکا تلاش می کرد یک پیروزی بزرگ محسوب می شود و همینطور اتحادیه اروپا هم این نظر را تأیید کرد هم اکنون غیر از ایران و عراق هیچ کشوری این گروه را تروریستی نمی شناسد و باید به حال جامعه جهانی افسوس خورد.

در ۱۰ سال اخیر دکتر علی محمدی شهرداری احمدی روشن رضایی نژاد و فخری زاده که از مهمترین افراد در زمین فعالیت های هسته ای ایران بودند به دست نیروهای اطلاعات خارجی به روش های مشابه ترور شدند و مجامع بین المللی کاری جز سکوت در برابر اظهارات کنایه آمیز سران این کشور ها که مسولیت این عملیات ها را به نحوی منتسب به خود دانسته اند و گاهی از آن بی شرمانه به عنوان افتخار مانند ترور سردار عزیزمان حاج قاسم



سروده ای برای سردار دل ها (نگین سلیمان)



پرده اول: هجوم دیو

کرد بر پا کربلایی آتشین
همچو تندر در هوایی آتشین
الآمان از نینوایی آتشین
مانده تنها با دو پای آتشین
ضجه می زد با زبانی آتشین
رفته بالا ناله هایی آتشین
اهل عترت در بلایی آتشین
خیره بر ما با نگاهی آتشین
برق زد چون در نابی آتشین
نی نوا از نینوایی آتشین

دیو داعش ازدهایی آتشین
شد حریم شیعیان در التهاب
زینب این سو و برادر می کند
از رقیه من چه گویم با ددان
الغیث از قوم داعش الغیث
الحذر از دست داعش در حرم
هم زمین آتش شد و هم شد زمان
جنگ و بلوا و بلا چون دیو و دد
جنگ گفتم؛ نام سرباز ولا
بشنو از قاسم روایت می کند

«تی حدیثِ راهِ پر خون می کند» از درونِ فاعلاتن می چکد
از عروجِ شاهدانی آتشین شرحِ شورِ شهریاری آتشین



پرده دوم: حشمت سلیمان



ذوالفقارِ مردمانی آتشین
لرزه بر جانِ جهانی آتشین
گشته طوفانِ دمانی آتشین؟
می سراید با صدایی آتشین:
از تبارِ شیعیانی آتشین
تا به تن دارم توانی آتشین
شد اویس و با دهانی آتشین
آمد از ره سر به داری آتشین
تیغ بر کف تک سواری آتشین
گفت با ما با زبانی آتشین
کو ولایت را یلانی آتشین؟!
شد حدیثِ عارفانی آتشین
در غنا از عاشقانی آتشین
با مفاعیلن بیانی آتشین

جلوه گر شده ناگه از شرق زمین
ذوالفقاری کو ز غیرت آخته
کیست این هوهو هیاهو می کند
داو دیوان را به سر دارد چنین
شیعه هستیم؛ آری آری؛ شیعه ای
می خروشم گفت بر شمرِ شنیع
نعره زد از کربلا تا بر یمن
تا بگوید کیست از نسل علی
کُلنا عباس یا زینب بگفت
از بلندای شامات و عراق
وقت یاری شد فاین تذهبون
چون شد از مهر ولایت و گو
از حماسه بگذر ای شاعر بگو
فاعلاتن را رها کن باز گو



پرده سوم: تولای قاسم



بدین حُسنِ سلیقه بارک الله
قسم پر کربلا و زینبِون
بدان ام ابیها جان حیدر
که او شمع جمع و پروانه التاس
چرا چون سرخوش از شهد ولایم
که سگانش به دستان ولی است
نخستین پله اش گیسوی یار است
همان گیسو ولی در غره دارد
قدم در وادی حق می گذاری
جگرها از عطش آن جا کباب است
ز مستان می کند آن جا تبراً
محمد با علی اسلام این است
و احمد بی ولی حاشا و کلا
که چون صیدی به دنبال شکارم
عطش دارم بیا آغوش بگشا

اطاعت ای قلم محبوب الله
مفاعیلن مفاعیلن فعولون
بدان قبله گه شش گوشه اختر
قسم بر اهل عترت جان عباس
نمی خواهیم ز خال و لب سُرایم
ولایت کشتی آل علی است
ولایت نزدبانی استوار است
همان گیسو علی در طره دارد
اگر آشفته گیسوی یاری
در آن وادی شراب اندر شراب است
قلم می رقصد از شور تولاً
بلی شیعه چنین اندر چنین است
محمد بی علی حاشا و کلا
منم قاسم؛ سپاه سر بدارم
آ ای مرگِ سرخِ راهِ مولا



پرده چهارم : عروج سردار دل ها



شبی او را به خوابِ ناب دیدم
عطش لب تشنه در کرب و بلا بود
و عباس زمان لب تشنه با آب
چو صبح آمد سیاهی در عزا شد
قضا آمد قَدَر را بر گرفته
خبر چون قاصدی آمد به در زد
خبر آمد ز مرکب قاسم افتاد
برفت از جان مولا طاقت و هوش
آلا زینب بزن چنگ جنون را
بگو بابا دوباره نی نوا کن
ز لطف گوشه چشمی به ما کن
خدا بر ما کند باری عنایت

عطش را در کنار آب دیدم
نه در بغداد بل در کربلا بود
به خاک افتاد و ما آسوده در خواب
فلک تار و بلا اندر بلا شد
غزا در نور و ظلمت در گرفته
دل ایران کبوتر گشت و پر زد
به جان خیمه-ها گویی غم افتاد
بیا برگیر نعشش را در آغوش
به رقص آور زبان تیغ-گون را
کبوترهای عشقت را صدا کن
ترا و جان زینب هان دعا کن
زشکر شهد شیرین شهادت

شاعر:

آرش وثاقتی جلال

